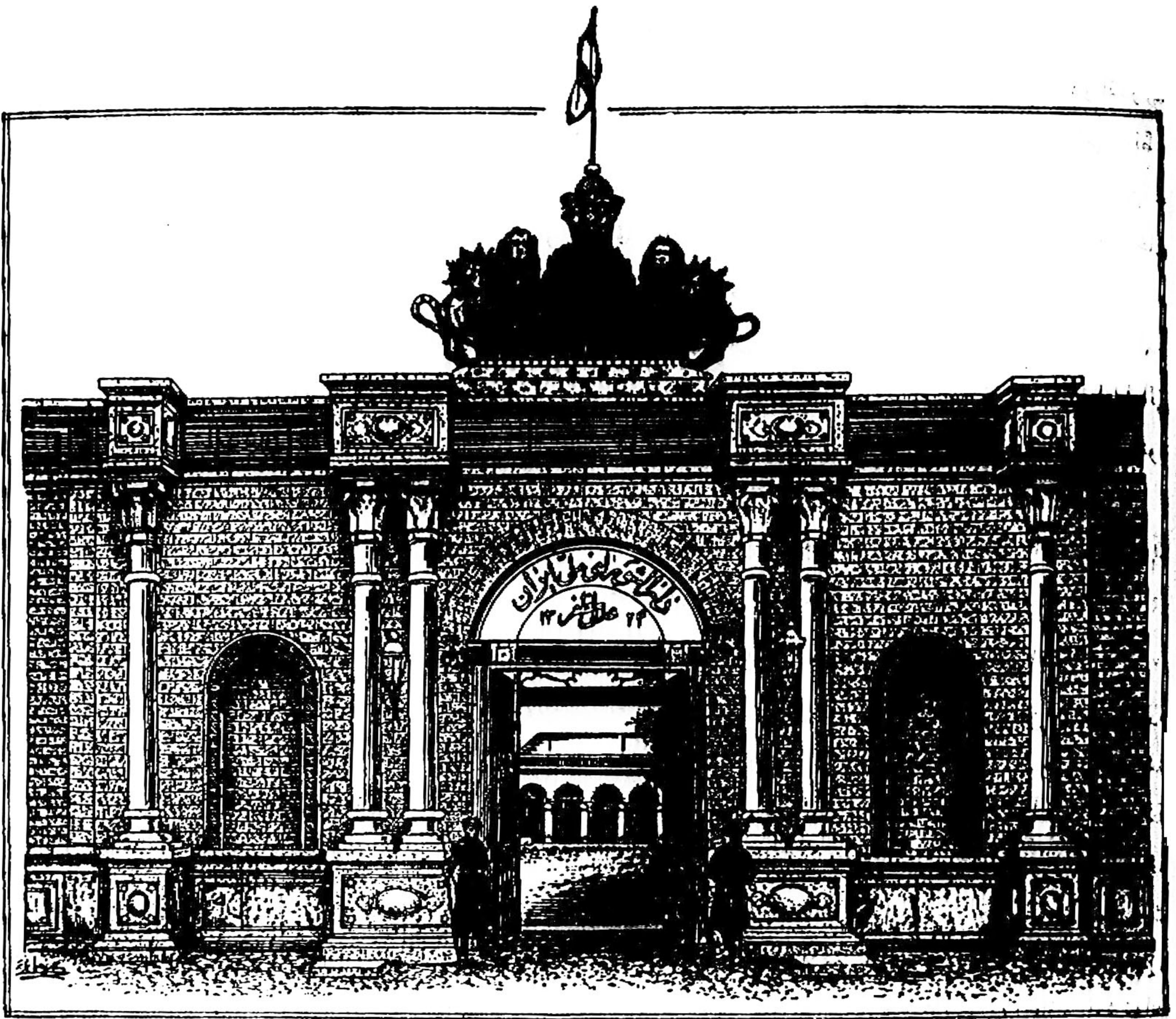


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۸۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۵۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۱۴ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ رجب المرجب ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فہرست مندرجات

نمبر	عنوان	از صفحہ	الی صفحہ
۱	تصویب مرخصی آقای کی استوان ورد مرخصی آقای میرزا محمد علی امام جمعہ شیراز	۳۰۸۴	۳۰۸۶
۲	بقیہ شور نسبت بخبر کمیسیون بودجه راجع بہ بعضی مخارج از محل اضافہ عایدات ۱۳۰۵	۳۰۸۶	۳۱۱۳



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۱۴ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۱ رجب المرجب ۱۳۴۶

جلسه ۱۱۹

<p>غائبین و در آمدگان جلسه ۹ دیماه غائبین با اجازه آقایان: اعتبار - محقق شیرازی - شیروانی - آیه الله زاده خراسانی - دشتی - فومنی - مقدم - بهبهانی - بهار</p>	<p>مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای نقی زاده نایب رئیس تشکیل گردید (صورت مجلس بوم سه شنبه ۱۲ دیماه را آقای نگهبان قرائت نمودند)</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

فرشی - میرزا ابراهیم آشتیانی
غائبین بی اجازه

آقایان : حاج علی اکبر امین - محدودلی خان اسدی
مرضی قلیخان بیات - ذوالقدر - امام جمعه شیراز
اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع - قوام شیرازی
حاج حسن آقا ملک - بنی سلیمان - جوانشیر - میرزا
حسن خان وثوق - حاجی غلامحسین ملک
دیر آمدگان با اجازه

آقایان . جلالی - روحی - شریعتزاده - حشمتی
نجومی - مهدوی - حاج شیخ بیات - جهانشاهی -
دیوان بیگی

دیر آمدگان بی اجازه

آقایان . ملک مدنی - باستانی - نوبخت - فرمند
مدرس - محمد ولی میرزا - زنکنده
(غائبین و دیر آمدگان جلسه ۱۰ دیماه)
غائبین با اجازه

آقایان . شیروانی ، آیه الله زاده خراسان ، دشتی -
عصر انقلاب - جهانشاهی - فرشی ، میرزا ابراهیم آشتیانی
غائبین بی اجازه

آقایان . حاج علی اکبر امین - محدودلی خان اسدی
مرضی قلیخان بیات - ذوالقدر - امام جمعه شیراز -
اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع - قوام شیرازی
حاجی حسن آقا ملک - بنی سلیمان - جوانشیر - میرزا
حسن خان وثوق - حاجی غلامحسین ملک
دیر آمدگان با اجازه

آقایان : جلالی - شریعت زاده - حاج شیخ بیات -
سلطان محمدخان عامری

(غائبین و دیر آمدگان جلسه ۱۲ دیماه)

غائبین با اجازه : آقای شیروانی - جمشیدی مازندران
دشتی - فرشی - میرزا ابراهیم آشتیانی - دکتر لقمان -
حاج میرزا حبیب الله امین .

غائبین بی اجازه : آقایان حاج علی اکبر امین - محمد

ولی خان اسدی - مرضی قلی خان بیات - ذوالقدر -
امام جمعه شیراز - آیه الله زاده خراسان - اعظمی - نظام
مافی - قوام شیرازی - آقا علی زارع - حاجی حسن -
آقا ملک - بنی سلیمان - جوانشیر - میرزا حسن خان
وثوق - حاجی غلامحسین ملک
دیر آمدگان با اجازه : آقایان اعتبار - جلالی - امیر
حسین خان ابلخان - ملک مدنی - میرزا محمدتقی طباطبائی
نجومی - حاج شیخ بیات - بهار - جهانشاهی - محمود
رضا -

دیر آمدگان بی اجازه : آقایان شریعت زاده - پالیزی -
محمد ولی میرزا - زنکنه - تقی زاده

نایب رئیس - آقای امیر حسینخان ابلخان

امیر حسینخان - عرض کنم حضورتان ، بنده شنیدم
آقای بنی سلیمان را در دو جلسه قبل که قرائت شد
غائب بی اجازه خواندند و حال اینکه همه آقایان میدانند
که آقای بنی سلیمان مریض بستری است و اگر چنانچه
خودش درخواست نکرده است با اجازه نخواسته است
این را خوبست اصلاح کنند و اگر چنانچه اجازه
خواسته است نمیدانم برای چه غائب بی اجازه نوشته اند
و حال آنکه همه آقایان اطلاع دارند بهر حال باید
اصلاح شود

نایب رئیس - مراجعه و اصلاح میشود آقای کلالی
امیر تیمور کلالی - تصور میکنم در صورت جلسه آقای
آقا زاده خراسانی را غائب بی اجازه نوشته بودند در
صورتی که ایشان بتوسط بنده تقاضای اجازه کرده بودند
و تقاضای ایشانرا هم تقدیم کرده ام . . .

نکته بان منشی - کی آقای ؟
کلالی - آقا زاده خراسانی ، تقاضا میکنم در صورتیکه
کمسیون عرایض تصویب کرده اصلاح شود
نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده را در صورتیکه در جلسه قبل
حاضر بودم در صورت جلسه دیر آمده بی اجازه نوشته اند

این را استدعا میکنم اصلاح شود
نایب رئیس - صورت مجلس مخالفی ندارد ؟
(گفته شد : خیر)

نایب رئیس - تصویب شد

نایب رئیس - چند فقره خبر راجع برخصی است
قرائت میشود

(خبر راجع برخصی آقای کی استوان بشرح آن
قرائت شد)

آقای کی استوان نماینده محترم بواسطه کسالت مزاج و
لزوم مسافرت بخارجه برای معالجه چهار ماه تقاضای
مرخصی نموده که تاریخ آن از روز حرکت ایشان
محسوب شود کمسیون عرایض و مرخصی چهار ماه مرخصی
نمایند محترم را تصویب و تاریخ مرخصی ایشان را از
روز حرکت محسوب مینماید و راپرت آنرا تقدیم میدارد
مخبر کمسیون حاجی میرزا مرضی

نایب رئیس - آقای زوار مخالفید ؟ بفرمائید

زوار - يك حكايتي را مقدمه عرض خودم قرار
میدم و آن ایست که موقعی که کمسیون محترم عرایض
فعلی انتخاب میشد بنده در شعبه ششم بودم و بایستی
يك نفر هم از آنجا انتخاب شود بنده و مخبر فعلی کمسیون
عرایض هم کاندید بودیم يك ورقه ای از خارج آوردند
نوی شعبه که آن عبارت برجسته و حساسش این بود که
شمارا بحضرت عباس قسم میدهم زوار را انتخاب نکنید
دلایل هم ثابت است ؟ برای اینکه وقتی که من آنجا
بودم کمتر از این خبرها میآمد بمجلس میخواهم با آقای حاج
میرزا مرضی عرض بکنم که بنده سنك ملت را هم بسینه میزنم
و برای ملت هم نوحه سرائی میکنم بلکه بحال آنهایی
که از دسترنج آنها این تصویبنامهها صادر میشود بجای
انك آن خون میزنم و این برای من افتخار است من
رکب همان ملت و این سلیقه نازه بنده نیست از بادی
عمر طرفدار ملت بودم و اینکه فرمودید که بنده حقوق

خودم را تقدیم مجلس بکنم الان عرض میکنم بنده حاضر
هستم دوست تومان بدم بشرطی که جناب مستطاب عالی
هم آن صد و پنجاه تومان که مجلس رد کرد و خبرش
را دو مرتبه آوردند آنرا هم بگذارید روی این بشود
سیصد و پنجاه تومان و ده نفر فقیر را نگاهداری بکنند . .
زعیم - آقا صحبت شخصی نکنید

زوار - اجازه بدهید ، آقا صحبت شخصی کرده اند
حالا جواب میشوند ، بالاخره بطوری که عرض شد
من همیشه طرفدار ملت بودم و این مرخصیها را بقدری
وسيله ناراضائیتی ملت میدانم که خودم را مکلف و
مجبور میدانم و همیشه هم این طرفداری را کرده ام
حق در زیر پرچم شیرو خورشید هم این کار را کرده ام
حالا هم با اینکه تصدیق میکنم آقای کی استوان حقیقه
استحقاق این مرخصی را دارند ، ناخوشند ، مریض هستند
ولی علت این مخالفت بنده هم این بود که آقایان بدانند
که در پیدش بنده تبعیض نیست مخصوصاً مخالفت بنده با آقای
مهدوی آنروز که سمت ریاست مطلقه بنام خراسانیها و دوستی
بیدست ساله بمن دارند بنظرها وحشی می آمد ولی چکار میتوانم
بکنم این وظیفه وجدان من بوده است حالا هم خواهش
میکم که آقای کی استوان صرف نظر بکنند با آقای مخبر
محترم هم عرض میکنم که آقای کی استوان دو تومان هم
حق دفاع بشما نخواهد داد

حاج میرزا مرضی مخبر - اولاً نماینده محترم توهینی
بینده فرمودند که جبرانش با مقام ریاست است که این
توهین را که ایشان کردند این حرفی را که زدند پس
بگیرند که فرمودند دو تومان حق دفاع بشما نمیدهد .

زوار - توهین نیست حاضر ثابت کنم
مخبر - و من از مقام ریاست تقاضا میکنم که این
توهینی که ایشان فرمودند جبران نکنند ، ثانیاً آقای
زوار باز شروع کردند بدلسوزی برای ملت تصور میکنم
که ایشان و کالتشان دو آنشه تر یا دلسوز تر برای ملت از
دیگران نباشد همان وظیفه که ایشان دارند سایر نمایندگان

هم همان وظیفه را دارند سایر نمایندگان هم نماینده همین ملت هستند و همان علاقه که ایشان دارند بلکه زیاده و شدید تر، اگر ایشان میخواهند تصنیعی بک فرمایشی را نکنند سایرین از روی حقیقت و واقع دلسوزند این دلسوزی نیست، جناب عالی دوپست نومال مال خودتان را میدهید بدهید بنده مال خودم را اختیارش با خودم است نخواهم میدهم نخواهم محرف شما نخواهم داد ملاحظه فرمودید؟ قیم هم لازم ندارم شما آنچه که وظیفه دارید عمل کنید دلسوزی برای ملت و خون ریختن از چشمتان عوض اشک اینها ربطی برخصی بکنفر نماینده ندارد. بکنفر نماینده که مدتیست ناخوش است و همه آقایان مسبوقند که مدتیست کسالت مزاج دارد سنک کلیه دارد چند مدتیست درخانه خوابیده است الان میخواهد برود اروپا برای معالجه همچو نماینده ای میاید مرخصی میخواهد از کمیسیون عرایض کمیسیون عرایض مرخصی او را رد کند و بگوید من این مرخصی را نمیدهم... بعلاوه وظیفه بنده که مخبر هستم اینست که هر چیزی را که کمیسیون عرایض تصویب کند خبر او را بیاورم به مجلس شما رأی نمیدهید مختارید چه اعتراضی است بر من هر کدام از آقایان میخواهند رأی بدهند هر کدام نمیکشند رأی ندهند و در خانه هم استعفا میکنم از مقام ریاست که این توهینی که آقای زوار به بنده کردند باید بفرمایند که جبران بکنند

نایب رئیس - من چیزی نشنیدم
 حاجی میرزا مرتضی - همه آقایان شنیدند که گفتند دو تومان حق دفاع بتو نمیدهد
 زوار - توهین نبود
 حاجی میرزا مرتضی - خجالت بکش آقا ازین حرفها
 نایب رئیس - رأی گرفته میشود برای مرخصی آقای کی استوان آقایان موافقین قیام فرمایند
 (جمع کثیری برخاستند)
 نایب رئیس - اکثریت است، خبر دیگر

(خبر مرخصی آقای امام جمعه شیراز باینمضمون قرائت شد)
 آقای آقا میرزا محمدعلی امام جمعه نماینده محترم شیراز بواسطه کسالت مزاج تقاضای بیست روز تعطیل مرخصی نموده کمیسیون بیست روز مرخصی نماینده محترم را تصویب و خبر آن را تقدیم میدارد
 مخبر حاجی میرزا مرتضی

نایب رئیس - آقای شریعتزاده موافقت؟
 شریعتزاده - بلی بنده موافقم
 نایب رئیس - آقای روحی
 روحی - عرض کنم يك قسم مرخصیها هست که حقیقه من عقیده دارم که با آنها مخالفت نمیشود کرد خوب مرخصی آقای کی استوان، مریض بوده و سابقاً هم مرخصی نخواستند بودند باید تصویب شود ولی بعضی مرخصیهای دیگر هست که اگر وکلا رأی بدهند من حقیقه ظلمی میدانم که بحقوق ملت شده است، شیراز در همه دوره ها وکلای داشته است که حاضر نمیشده بلکه غالباً وکیل بوده و در شیراز بوده اند. آن آقای ضیاء الادب در اول دوره پنجم آمد دو ماه ماند اینجا و رفت آقای آقا سید یعقوب هم بادم می آید که ازش دفاع کردند آن آقا علی زارع همین طور، این یکی دیگر، مثل اینست که شیراز وکیل در مجلس شورای ملی ندارد...
 چند نفر از نمایندگان (با همهمه) - چرا، آقا، چرا وکیل دارد
 روحی - چهار پنج نفر دلیل نمیشود، بلی بنده چشم آقایان را می بیند خوب هم مسبوقم، بنده عقیده دارم که درین دوره دیگر آقایان رعایا نباید باین جور اشخاص رأی بدهند و اینها را وکیل نکنند و مجلس هم باین مرخصیها رأی ندهد و تصویب نشود.
 نایب رئیس - آقای شریعتزاده

(حاضر نبودند)
 بعضی از نمایندگان - رأی، رأی
 نایب رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - مخالفم
 نایب رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - عرض کنم آقای روحی اشاره باین نکته فرمودند که بعضی از نمایندگان شیراز غالباً در مجلس حاضر نمیشدند یا در سفر بودند چون ما ها عادت داریم که از زناکت خارج نشویم عرض میکنم که نمایندگان جاهای دیگر هم بوده اند که چند ماه نیامده اند و مرخصی گرفته اند یا مرخصی نگرفته اند...

روحی - آقایان اصلاً نیامده اند
 ضیاء - آقای امام جمعه بواسطه استفاده از مرخصی بشیراز رفتند موقعی که عازم حرکت بودند دوسرته به يك صدمه ای بیایشان وارد آمد که مریض شدند و الان در بستر هستند و بواسطه صدمه که بیایشان وارد آمده از حرکت معذورند تصور میکنم اگر بیشتر تحقیق بکنیم و تفقد از حال بکدیگر بکنیم بیشتر مناسب باشد
 نایب رئیس - رأی گرفته میشود برخصی آقای امام جمعه شیراز آقایان موافقین قیام فرمایند
 (چند نفری برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد چند فقره مرخصیهای دیگر هست چون دستورمان هم مانده است اگر آقایان اجازه بدهند بعضی از مرخصیها برای جلسه آینده بماند بعضی از نمایندگان - صحیح است
 نایب رئیس - لایحه اضافات هزار و سیصد و پنج مطرح است آقای دکتر مصدق
 دکتر مصدق - بنده حقیق المقدور برای اینکه بعضی نسبتها بیننده داده نشود در آخر دوره بنده کمتر مایلم که عرایض بکنم واسباب تصدیع خاطر آقایان را فراهم بکنم زیرا که در اوائل مجلس تقریباً يك موافقتهای

نظری بین همه آقایان هست ولی در اواخر يك قدری اختلافات پیدا میشود در اول مجلس بنده می بینم اتفاق آراء بحفظ قانون اساسی و حفظ حقوق ملت هست در آخر مجلس عده قلیلی را بنده لاقید می بینم و عده قلیلی را هم بنده ساکت می بینم بعضیها هم البته ناچارند که اداء وظیفه بکنند آقای وزیر مالیه که حقیقه يك ورزیده سیاسی و يك مرد مجرب پارلمانی هستند تصور میکنم از دو موقع خواسته اند استفاده کنند یکی اواخر خدمت دکتر میلسپو یکی هم از اواخر دوره مجلس که بنده این دوتا را تقریباً مثل حال احتضار سیاسی تلقی میکنم سید یعقوب - بابا، شش ماه دیگر زنده ایم انگوتیید حال احتضار

دکتر مصدق - در این ماده که امروز مطرح است ومذاکره میشود قریب چهارصد هزار تومان مخارج بنائی است (یا چهار صد هزار تومان یا بیشتر) اگر این مصارف بنائی لازم بود چه شد که در اول سال عنوان نشد و سعی نکردند در اینکه این لایحه را بگذرانند که حالا که آخر دوره مجلس است این مخارج را آورده اند بگذرانند بنائی را باید در تابستان کرد در زمستان وقتش نیست حالا ممکن است که آقای وزیر مالیه بفرمایند که ما در اول سال اضافه عایداتمان معلوم نبوده چون معلوم نبود ما نمیتوانستیم این اضافه مخارج را بیاوریم و حالا اضافه عایداتمان معلوم شده این لایحه را آورده ایم و میخواهیم بگذرانیم. بنده عرض میکنم اضافه عایدات معلوم نیست زیرا که اضافه عایدات وقتی معلوم میشود که عایدات پیشبینی شده را تمام را در يك ستون بنویسند و عایدات وصولی را هم در ستون دیگر مقابلش بنویسند اگر آقای وزیر مالیه توانستند يك همچو صورتی ارائه بفرمایند که معلوم شود که اضافه عایدات ما چیست البته صحیح است ولی وقتی نتوانستند يك همچو صورتی بدهند که عایدات وصولی چیست و عایدات پیش بینی شده چیست بنا برین تعیین يك همچو

اضافه عایدات بمعینده من ممکن نیست حالا بنده فرض میکنم که اضافه عایداتی هم اصلاً داشته باشیم البته یکی از اصول امروز (اصول عصر جدید) اینست که اگر يك مخارجی ضرورت پیدا بکنند در صورتی که اضافه عایداتی هم نداشته باشیم باید يك مالیاتهای وضع کنیم این محل تردید نیست اما مسئله در این است که يك مخارجی ضرورت داشته باشد اگر ضرورت پیدا کرد نبودن اضافه عایدات مانع از تصویب خرج نیست زیرا که مخارج مقدم است باید تصویب کرد و بعد هم يك اضافه عایداتی تهیه کرد ولی اگر ضرورت نداشته باشد هیچ کس نمیتواند يك مخارجی را تصویب بکنند اعم از اینکه اضافه عایدات باشد یا نباشد ما اگر يك اضافه عایداتی داشته باشیم و يك مخارج غیر ضروری باشد البته صلاح در عدم تصویب مخارج غیر ضروری و صرف آن عایدات است برای يك مسائلی که برای مملکت مفید باشد بنا بر این بنده تصور میکنم که اقلام این لایحه را باید درش يك مذاکرانی کرد که به بینیم کدام يك ضروری است و کدام يك ضروری نیست . اولاً برای اعطاء قرضه بکارخانه پارچه بافی اصفهان آنچه که بنده در نظر دارم يك چیزی در مجلس تصویب شد سابقاً ، اگر آن که تصویب شده قاطع بوده مجدداً نوشتن این درین جا بنظر بنده لزومی ندارد و اگر آن که تصویب شده قاطع نبوده و امروز ما باید تصویب کنیم تا قطعیت پیدا کند بنده مخالفم بجهت اینکه در همان وقت که آن لایحه مطرح شد در تحت يك احساسات و يك مذاکرانی بنده رأی دادم ولی حالا می بینم که کار خوبی نکرده ام زیرا که ما برای آن حاجی یکصد هزار تومان تصویب کردیم و اگر این مسئله امتداد پیدا بکند بنده می بینم دو حاجی دیگر هم پیدا شده اند که يك کیسه یا عرض و طولی برای همچو پولی دوخته اند اگر ما این را تصویب کنیم باید برای دو حاجی دیگر هم تصویب کنیم که بنده

نمیخواهم اسم ببرم چون عجلاله موضوع آن مطرح مذاکره نیست ولی عرض میکنم که تصویب این مسئله بهیچوجه صلاح نیست زیرا هیچ وجه بنده مقتضی نمی بینم يك مالیاتهایی وضع بکنیم و ازین مردم و از جریبان مملکت يك پوطائی را جمع بکنیم و از دست يك مردمی که میتوانند استفاده های خوبی بکنند بگیریم بعد بهمين يك اشخاص دیگری که يك استفاده های دیگری بکنند این بنظر بنده منطقی ندارد . فقره دوم این لایحه برای جبران کسر عایدات سجل احوال است ما درین جا يك قانون گذرانیم در واقع کار سجل احوال را کردی و خوردی کردیم یعنی بروند و این ورقه سجل احوال را بدهند از هر کدام که میتوانند استطاعت دارند يك قران بگیرند و خرجش را از همین عمر بدهند . حالا اگر واقعاً بموجب این قانون باشد بنده عقیده ام اینست که باید صورت مخارج را بعد از آنکه کسرش معلوم شد آقای وزیر مالیه تهیه میفرمودند و بمجلس میآوردند که عایدات سجل احوال فلان قدر شده خرجش فلان قدر کسرش فلان قدر البته کسی نمیتواند منکر بشود که سجل احوال خرج دارد ولی امروز که معلوم شده کسر مخارج دارد یعنی عایداتش کافی برای مخارج نیست باید صورتی بمجلس بیاورند و معین کنند که چقدر عایدات آنها شده است و بچه مصارف رسیده است و مجلس ببیند اگر این يك مخارج صحیحی بوده است و بموقع خرج شده این کسر را هم تصویب کند شاید عایدات سجل احوال خیلی زیاد بوده و ممکن است مخارجش بيك مصارف صحیحی رسیده باشد بنابراین خوب بود آن صورت را آقای وزیر مالیه تهیه میفرمودند تا ما ببینیم و بفهمیم فهمیدیم و دانسته بيك مبلغی رأی بدهیم نه اینکه سر بسته بيك مبلغی را که صد هزار تومان باشد برای کسر سجل احوال امروز تصویب کنیم ، این فقره دوم ، فقره دوم این لایحه پیشنهاد خرید يك عمارت است برای سفارت افغانستان که گذشته است و حقیقه بهترین پوطائی که

بالتصویب کردیم این پول بود که تصویب شد که بنده حالا زائد میدانم در این باب چیزی عرض کنم فقره چهارم قسمت چراغهای دریائی بحر خزر است که بنده کاملاً موافق هستم و باید این چراغها ساخته شود شاید تاخیر هم شده است فقره ششم برای تهیه مصالح و لوازم کارخانه مدرسه صنعتی است این هم کاملاً لازم است و باید زودتر بشود و بنده مخالف نیستم فقره هفتم برای ساختمان محبسها بطرز جدید و تعمیر محبسهای فعلی در طهران و ایالات و ولایات است بنده درین فقره بطور کلی مخالف نیستم چرا ؟ دلیل دارد بجهت اینکه آقا لظمیة ما باید کاری بکنند که روز بروز خودشرا بهترین تدکیلات ممالک عالم شبیه بکنند ازین نظمیة شخص بنده هم راضی هستم . . .

حاج آقا رضارفعی - صحیح است

دکتر مصدق - و هم ناراضی هستم . . .

رفعی - آن صحیح است را برای ' راضی هستم ' گفتیم له برای ناراضی

دکتر مصدق - بسیار خوب ، بنده راضی هستم ازین نظمیة بجهت اینکه حقیقتاً بيك مدنیت بعد از اینکه این نظمیة از صاحب منصبان خارجی منتزع شد و بدست صاحب منصبان ایران رسید بيك انتظامات درین شهر هست و در محله ما هم بتوجهات اعلی حضرت پهلوئی امنیت است و خوب است . . .

بعضی از نمایندگان - همه جا هست

دکتر مصدق - بلی همه جا هست و فرضاً محله آقای مدرس امنیت نداشته باشد مربوط به بنده نیست شاید جرایم سانسور باشد و نتوانند چیزی بنویسند اگر محله ایشان امنیت نداشته باشد خودشان میدانند بنده آنچه که می بینم این نظمیة در محلات ما بيك کارهای خوبی کرده است و حقیقتاً جای تشکر است

بعضی از نمایندگان - در همه جا همین طور است

دکتر مصدق - بلی در همه جا بيك کارهای خوبی کرده اند

و اینکه ابراینها امروز این طور استعداد پیدا کرده اند که ما را از صاحبمنصبان خارجی مستغنی بدارند بنده خیلی تشکر میکنم و خوشوقتم . . . بعضی از نمایندگان - صحیح است .

دکتر مصدق - بنده اگر که از هموطنان خود مان تعریف و تمجید میکنم از هموطنان خود مان کرده ام و اگر هم تنقید بکنم چون طرف اجنبی نیست مورد تنقید واقع نمیشوم همیشه افتخار بنده اینست که تمام کارها را ابراینها متصدی باشند تا اینکه انسان اگر تعریف میکند از هموطنان خودش کرده باشد و اگر هم تنقید میکند نسبت بکارهای هموطنان خودش کرده باشد بنده تعریفات خودم را کردم ولی شکایت خودم را هم ، یعنی عدم رضایت خودم را هم ، باید عرض کنم . در باب محبسها اساساً عقیده بنده اینست که هیچ کس نمیتواند بگوید که ما محبس یا دارالمساکین یا دارالایتم لازم نداریم و هر وقت ضرورت پیدا کرد خانه ما در تحت اختیار سارقین و ایتم و مساکین است این را بنده مخالفم مملکت هم محبس لازم دارد هم دارالایتم لازم دارد هم دارالمساکین لازم دارد همه چیز لازم دارد . مخصوصاً بنده خاطر میآید که در سال قحطی که آقای رئیس الوزراء رئیس اداره ارزاق بودند و ارزاق را اداره میکردند بکروزی در هیئت وزراء آقای سردار اسعد که امروز وزیر جنگ هستند بنده هم در هیئت وزراء بودم فرمودند که من فقرا را باغنیاء تقسیم کرده ام و چند نفر هم سهم شما شده است که برای شما میفرستم و بمن هم فرمودند که چند نفر هم برای شما میفرستم بعد فرمودند که اینها برای شما تکلیفات و تکلیفات زیادی ندارند اینها چیزی که برای شما دارند فقط بيك اطاق میخواهند و بيك لحاف و بيك غذا ، چیز دیگری لازم ندارند بنده خدمتشان عرض کردم با آنکه من نصف حقوق سالیانه خودم را امسال بفقرا داده ام راضی هستم که تمام حقوق خودم را بدهم ولی این مهمانهای را که شما برای من معین کرده اید نمیتوانم

دعوت کنم برای اینکه منزل بنده برای يك اشخاص ناشناسی ساخته نشده که من بتوانم اینها را پذیرا می بکنم و شب تا صبح هم بیدار مانم که مبادا یکی از آنها بر خیزد و سرقتی بکنند و يك خطری برای من داشته باشد در منزل من جائی برای کسی نیست آقای رئیس الوزراء قبول فرمودند و عصری که شد دیدیم تمام آن مهمانانی که معین کرده بودند درب خانها فرستادند درب منزل بنده هم فرستادند تمام خانها این مهمانها را پشت درب خانها گذاردند و هیچ کسی بروی آنها در را هم باز نکرد. پس عقیده بنده اینست باید مملکت دارالایتام و محبس و اینها را داشته باشد هیچ کس نمیتواند بگوید هر وقت ضرورت پیدا کرد من در خانه ام را باز میکنم و ازین جور اشخاص در منزل خودم پذیرائی میکنم ولی بنده میخواهم به بینم که خوب حالا که ما باید دوست هزار تومان خرج کنیم که در واقع محل دزد های خودمان را شبیه محل دزد های اروپا کنیم مامیکوئیم میخواهیم امروز تمام چیزهای خودمان را شبیه بچیز های سایر ممالک کنیم در هر جا هر چه خوبست همان را بکنیم و برای این کار هم باید دوست هزار تومان خرج بکنیم تا محل دزدهای ما شبیه محل دزدهای سایر ممالک بشود این دوست هزار تومان خرج دارد خوب بنده میخواستم از آقایان وزراء بخصوص از آقای وزیر داخله سؤال کنم که آیا ممکن است يك مخارجی فرمایند که مردمان صحیح العمل این مملکت مردمان درست این مملکت، مردمان وطنپرست این مملکت را مثل مردمان سایر ممالک بکنند این ضرورت ندارد که شما سالی مبلغی خرج بکنید که مردمان بد این مملکت را مثل آنجا بکنید بنده يك پیشنهادی میکنم بحضرت عالی که يك مبلغی از خرجتان بکاهد و مردمان صحیح و مردمان خوب خود ما را مثل مردمان خوب آنجا بکنید این خیلی خوبست و بنده مانعی نمی بینم، مدت چند سال است که يك مبلغ زیادی همین بودجه نظمی

برای خرج سالسور (چیزی که برخلاف قانون اساسی و چیزی که با مال کنندة حقوق ملی است) میگردد خرج میکنند، امسال چند سال است که همین نظمیة يك عده اشخاص معلوم الحال را دم دروازه می کارد که هر کس که میخواهد از دروازه بیرون برود تمام تاریخ خود و انعقبات و اجدادش را از او سؤال بکنند، شما تحقیق بکنید امروز که در ممالک اروپا يك چنین چیزی نیست سهل است در عصر ناصری در عصر مظفری در عصر محمدعلی میرزائی هم همچو چیز هائی نبوده اند سالسور مطبوعات بوده و نه این که اگر کسی بخواید از خانه اش به دهش برود يك عربضه بنظمیه بنویسد و بدون اجازه نتواند حرکت بکنند و اگر بتوانند هزار گونه جلو گیری کنند و دم دروازه بایستند اسم خودش و عیالش و پسرش را بپرسند و تقریباً تمام امور اقتصادی را فالج بکنند. امروز ملاحظه فرمائید که در تمام ممالک اروپا سعی میکنند که حق تذاکر بین المملکتی را هم موقوف بکنند که مسافرت از يك مملکتی بمملکت دیگر سهلتر باشد ما سعی میکنیم که مبالغی خرج کنیم يك مسافرت از خانه به ده را محال کنیم و مسافرت از يك شهر بشهر دیگر را محال کنیم پس بنده سؤال می کنم و عرض میکنم اگر ممکن می شود شما میخواهید محبسهای ما را شبیه محبسهای اروپا بکنید یعنی دزد ها را شبیه بدزدهای اروپا بکنید بیاید اشخاص صحیح اشخاص خوب اشخاص وطنپرست این مملکت را هم مثل آنجا بکنید و با آنها همان معامله ای که در سایر ممالک میکنند بکنید و يك مبلغی از خرج نظمیہ کسر کنید این جور مسائلی که حقیقة اسباب شکست ماست و این جور مواعی که در واقع اسباب جلوگیری از امور اقتصادی است بردارید این عقیده من است در باب نظمیة حالا اگر آقایان نظری دارند مخصوصاً آقای وزیر داخله مطالبی در نظر دارند فرمایند این مسئله را که امروز عرض میکنم شاید حالا مدنی است

که در نظر بنده است وقتی که آقای فاطمی وزیر داخله بودند بنده خواستم سؤال کنم که معنی این کار چیست و چه دلیلی برای این کار میتواند معین کنید و چه فایده دارد، اگر کسی واقعا سارق باشد قاچاقچی باشد که بنظمیه بنویسد که من قاچاقچی هستم میخواهم از شهر فرار بکنم بمن جواز بدهید تا نظمیة از او جلو گیری کند اینها اساساً بطور ناشناس و مخفی میروند و در بیرون سوار میشوند و بجای های دیگر میروند و تقریباً این وضعیات صدمه اش با اشخاص درست و اشخاص صحیح مملکت میرسد اشخاص قاچاقچی هر جائی که میخواهند بهر وسیله که باشد میروند و ابداً در تحت این تشکیلات و انتظامات نیستند بنا برین صلاح در اینست اشخاصی را که واقعا مردمان با افتخار هستند و اشخاصی را که در فکر کار و این جور چیز ها هستند از تحت فشار این زحمات خارج کنید. يك مسئله دیگر که بنده داشتم اینست که يك چیزی پیش ازین در مملکت ما معمول بود که در عصر مشروطه هم باید معمول بشود و آن مسئله بر آورد است و باز دید سابقاً درین مملکت وقتی که میخواستند يك مخارجی بکنند اولاً يك نفر میفرستادند بر آورد میکرد که چیزی که میخواهند بسازند چقدر خرج دارد و بعد مطابق طریقه پیش که معمول مملکت بود يك برائی صادر میکردند - وقتی مخارج بر آورد میشد يك برات نحویل صادر میکردند و يك وجهی ابواب جمع آن کسی که متصدی ساختمان بود میکردند آخر هم که ساختمان تمام میشد باز دید میکردند و از او نحویل میگرفتند حالا در باب این محبسهای نظمیہ هم بایستی يك بر آوردی شده باشد که این محبسها مال کجاست تنها مال طهران باشد شاید يك اشخاصی باشند که بگویند دوست هزار تومان زیاد است اگر مال تمام مملکت باشد شاید يك اشخاصی باشند که بگویند که حالا بواسطه نبودن عایدات خوبست که شما محبسهای طهران را بنا کنید و يك نموله ای بدست بدهید بعد از آنکه وکلای مجلس و مردم دیدند که ساختمان مال

طهران خوب شد يك اعتباری برای محبسهای ولایات بگیرند ولی بدون اینکه يك صورتی داده شود يك همچو دوست هزار تومان فوق العاده عجلاناً تصویب شود این را بنده مخالفم خوب بود يك صورتی برای بر آورد این محبسها تهیه می شد و ما میدیدیم و فهمیده و دانسته رأی میدادیم، فقره هشتم برای خرید لابراتوار های مدارس متوسطه ایالات و ولایات و انانیه مربوطه بانها است این را بنده کاملاً موافق هستم

آقا سید یعقوب - چرا ؟

دکتر مصدق - بجهت اینکه آقا این اشخاصیکه در مدرسه تحصیل میکنند نالابراتوار نداشته باشند عمل نمیتوانند بینند و وقتشان تلف میشود هر چه زودتر باید این مخارج بشود نه برای تهیه لابراتوار مدرسه طب و انانیه مربوط بآن این را هم بنده کاملاً موافق هستم. دهم برای مخارج ساختمان و تعمیرات قصور سلطنتی توسط وزارت دربار، در اینجا بنده دو نظر دارم یکی از جهت صورتی که فرم forme باشد و یکی از جهت معنی است که فن fond باشد در این جور مسائل، در فقره دهم نظر بنده دو آنست یکی از نظر صورتی و یکی از نظر صورت است و یکی از نظر معنی صورت یعنی طرز اجراء که این پول را بچه ترتیب مصرف رسانند و معنی یعنی اینکه این اعتبار ضرورت دارد، باید بشود یا نباید بشود، می نویسد، برای مخارج ساختمان و تعمیرات قصور سلطنتی توسط وزارت دربار، اگر مقصود تعمیرات قصوری است که ملك شخص پادشاه باشد یعنی قصوری است که امروز مال اعلیحضرتست یکی از مشخصات دوره مشروطه این است که پادشاه از ملکت چیزی نمیگیرد و برای ملت هم ارثی نمیگذارد مال خودش است. شخص پادشاه اگر بخواید قصورش را تعمیر کند خودشان از عهده تعمیرات قصور شان بزمیآید و بعهده ملت نیست و اگر مقصود تعمیر واحداث قصور است که مربوط بدوات است آن وقت مداخله وزیر دربار که شخص غیر مسئولیت مورد ندارد. این جا

بنده روشن نیستم این را تصور میکنم که خواست حضرت والا يك توضیحی بفرمایند . . .

وزیر مالیه - چشم آقا! اطاعت میکنم

دکتر مصدق - خلاصه عرض بنده این بود که اگر این تصور ملك شخص اعلیحضرت است که از مشخصات عهد مشروطه اینست که شخص پادشاه از مال ملک چیزی نمیگیرد و بعد هم برای ملک چیزی ارث نمیگذارد مال خودش است دلش میخواهد بسازد دانش میخواهد خراب بکند ، و اگر يك قصوری است که مربوطست بدولت یعنی مال ملک است آن وقت تعمیرش بتوسط وزیر دربار که يك وزیر غیر مسؤولی است ابدأ قانونی نیست و برخلاف قانونست چرا؟ برای اینکه اگر يك وزیرى مسؤولیت داشت و مسؤول مجلس شد اگر تعمیری نکرد و اگر مطابق تصویب مجلس رفتار نکرد مجلس او را استیضاح میکند ولی وزیر دربار که مسؤولیت ندارد دخالت در کارهای دولتی بکند بنده برخلاف قانون اساسی میدانم این نظر منست ، بنده ابدأ نظری بشخص وزیر دربار ، خداشاهد است ، ندارم برای اینکه من بایشان ارادت هم دارم و اگر ایشان یکی از وزارتخانههای مسؤول را قبول کنند شاید بنده ده میلیون از بودجه مملکت را در تحت اختیار ایشان تصویب میکنم بعد هم چون مسؤول هستند حساب از ایشان میخواهم ولی نظر باینکه ایشان مسؤول نیستند بنده در اینجا ابراد دارم ، وقتی که من میخواستم این نظریات را بگویم و این مطالب را یادداشت کنم بخاطرم رسید و تصور میکنم که اگر آقای وزیر دربار اصل چهل و چهارم و چهل و پنجم قانون اساسی را ببینند این طور بفرمایند که اگر این دو اصل در قانون اساسی نبود من با يك پادشاه و با يك دربار مسؤولی این مملکت را در يك آتیه خیلی زود یکی گلستان میکردم شاید همچو تصور میکردند که اگر اصل چهل و چهارم و چهل و پنجم قانون اساسی نبود و پادشاه مسؤولیت داشت و من يك وزیر دربار مسؤولی بودم این مملکت شاید در آتیه زود یکی گلستان

بود اگر این تصور را بفرمایند بنده کاملاً مخالف این مسئله هستم بجهت اینکه چیزی که حافظ شخص پادشاه است قانون اساسی است و مخصوصاً اصل چهل و چهارم و چهل و پنجم متمم قانون اساسی همان طوریکه در موقع عادی هیچ آس راضی بقتل نفس نمیشود ولی در جنگ حوادثی رخ میدهد که از کشتن هزاران تنوس ممکن است کسی نگرانی نداشته باشد همان طور هم بعد از جنگ آثار و علائمی در مملکت مینماید من جمله يك حکومتهای خارجی و حکومتهای ارنجاعی که بنده عمر این حکومتها را کاملاً کوناه میدانم و چیزها که در مملکت مفید میدانم اجرای قانون اساسی است و معتقد شدن بيك حکومت مشروطه است بنام معنائش . . .

جمعی از نمایندگان - صحیح است همه معتقد بان اصل هستند .

دکتر مصدق - این راجع بود بصورت قضیه . این صورت که پول را چه قسم بگیریم و بتوسط که خرج کنیم ، اما در باب معنائش و موضوعش که آیا این خرج ضرورت دارد یا ندارد . این جا نظر بنده عرض کنم خدمت آقا ، این است که وضعیت شخص پادشاه هر قدر در يك مملکت متناسب با وضعیت مردم باشد برای آن پادشاه و آن مملکت صلاحش بیشتر است باین طریق که اگر مردم يك اطاق داشته باشند شاه باید يك عمارت داشته باشد اگر مردم يك عمارت داشته باشند شاه باید صاحب يك قصر باشد امروز که وضعیت مردم در این مملکت این طور است که در گوشه خیابانها . . .

رفیع - آقا! این تعمیر عمارات کهنه است (صدای زنگ رئیس)

باسائى - آقا این حرفها خارج از موضوع است چه ربطی بلايحه دارد

(صدای زنگ ریاست)

رفیع - آقا چرا مانع نمی شوید ازین صحبتها چرا

اداره نمیکند

(صدای زنگ رئیس - دعوت بسکوت)

عمادی - آقا این اختلاف درجات در مملکت لازم است باشد .

(صدای زنگ ریاست)

رفیع - ما گوش نمیدهیم

(مهمه نمایندگان - صدای زنگ متوالی)

نایب رئیس - بگذارید آقا حرفشان را بزنند آقا بان هم بنوبت خودشان بیایند حرف بزنند ، (خطاب بدکتر مصدق) - بفرمائید

دکتر مصدق - تعمیر و احداث قصور را شاید بنده بگویم بنده صلاح میدانم بلکه صلاح میدانم این قصر هارا بگویند . . .

باسائى - پیشنهاد کنید

دکتر مصدق - چشم ، پیشنهاد میکنم عجلتاً اجازه بدهید عرضم را بکنم ، عرض میکنم که بنده امروز که وضعیت مردم این طور است مردم توی خیابانها افتاده اند و منزل و مأوی و مسکن صحیحی ندارند و وضعیت مملکت این طور خرابست عقیده شخص بنده اینست که این قصر فرح آباد را که مظفرالدین شاه ساخته است این قصر دوشان تپه که ناصرالدین شاه ساخته است این عمارت شاه آبادی که مظفرالدین شاه ساخته اینها را خراب بکنند . عقیده بنده اینست ، چرا؟ برای اینکه بنده تصور میکنم که اگر ما صدوسی و پنج هزار تومان را دو بیست هزار تومان دیگر ، سیصد هزار تومان دیگر رویش بگذاریم يك کار خانه کاغذ سازی یا قند سازی و يك چیزهایی که برای مردم مملکت يك کاری پیدا شود و چیزی در بیاید بسازیم . . .

عمادی - کسی حرفی ندارد

دکتر مصدق - بهتر است ، این حقیقت است ، عقیده ام را عرض میکنم

عمادی - آنها را هم باید درست کنیم

دکتر مصدق - اجازه بفرمائید آنچه که مقدم است مقدم باید در نظر گرفت . مقدم اینست که ما يك کاری بکنیم که مردم از کرسنگی نبرند ، این عقیده بنده است بنده عقیده ام اینست که شاه مملکت یا وزیر دربار مملکت ، یا رئیس الوزراء مملکت اگر در يك اطاقی بنشینند که سقفش چکه بکنند و خیلی هم زینتات نداشته باشد ولی ملتش شکمشان سیر باشد و مردمش وضعبتشان خوب باشد و راحت باشند آن بهتر است و افتخارات آنها بیشتر است . . .

عمادی - اگر محفوظ باشد

دکتر مصدق - این عقیده بنده است که عرض میکنم و نه اینست که حالا این عرض را میکنم پیش هم همین عرضها را کرده ام بنده در دوره چهارم وزیر مالیه بودم بودجه مملکت را که آوردم در مجلس دیدم که خرج خیلی زیاد است و عایدات کم بنده دیدم که اگر ما بخواهیم عایدات زیاد کنیم مردم میگویند چرا خارج زیاد برآ کسر نمیکند و اول عایدی را زیاد میکنند در کمیسیون قوانین مالیه شخص بنده پیشنهاد کردم که از حقوق ولیعهد که چهارده هزار تومان بود چهار هزار تومان کسر کردند بعد عمر بنده بآخر رسید . . .

آقاسید یعقوب - یعنی عمر وزارتتان

دکتر مصدق - بلی ، بآخر رسید و بنده مأمور شدم رفتم بآذربایجان بعد از آنکه رفتم باذر بایجان يك تلگرافی بهمان ولیعهد وقت بطهران کردم ببنده جواب نداد وقتی که بنده آمدم بطهران رفتم پیشش بگفت کلاه کردند و گفتند که چرا نیامدی ، رفتم ، ببندید فرمودند که من يك کاری برای شما کرده ام حالا خودم اقرار میکنم بوزرچنگ گفتم باشما مساعدت نکنند برای اینکه شما از آذربایجان بیایید گفتم خیلی خوب حالا علتش را بفرمائید گفت برای اینکه شما گش (Gauche) هستید یعنی دست چپ هستید بنده گفتم اشخاصی که مقصدی امور مهمه مملکتی هستند نباید نظر بدست چپ و دست

راست و متوسط داشته باشند و همه را از خودشان بدانند زیرا اشخاص متصدی امور مملکت مثل رئیس جمهوری امریکا نیستند که اگر راست شدند یا راست بیایند و یا راست بودند و هر کدام که از حزب جمهوری انتخاب میشود وقتی که حزب جمهوری عده اش کم میشود و قوتش کم میشود و قوتش کم میشود رئیس جمهوری منسوب بآنها قوی باشد ولی وقتی که ضعیف شدند رئیس جمهوری منسوب بآنها ضعیف شود باید شخص شاه مملکت رئیس مملکت نظر بر راست و چپ نداشته باشد بعد گفت خوب ؛ حالا تو چرا حقوق مرا کم کردی عین همین عبارتی که بمن گفت اینست که تو چرا حقوق مرا کم کردی در جواب گفتم من خیال میکردم شما علاقمند بمملکت هستید بنده امروز در يك مجلسی این عرض را میکنم که شخص اول مملکت ما ؛ پادشاه مملکت ما يك شخصی است که گوش میدهد و حرف خیر خواهان خودش را کاملاً اصغاء میکند بنده افتخار میکنم که پادشاه ما يك کسی است که تمام مراحل زندگی را در این مملکت طی کرده است ؛ او میفهمد که شکم گرسنه چیست و میفهمد سیر چیست و میفهمد خیر خواهش کیست ؛ بنده این عرایضی که میکنم تمام از نقطه نظر خیر خواهی شخص پادشاه و از نظر خیر خواهی موکلین خودم و خیر خواهی مملکت عرض می کنم حالا اگر آقایان موافق هستند موافق باشند موافق هم نیستند نباشند بنده مکلف هستم درین مجلس عقاید خودم را بگویم بنده درین عصر و این عهد صدوسی هزار تومان برای تعمیر قصور سلطنتی صلاح نمیدانم این قصور را باید گذاشت خراب شود و این صدوسی و پنج هزار تومان را باید صرف يك کاری کرد که چهار نفر گرسنه متمتع شوند و فایده ببرند

وزیر مالیه - عرض کنم که فرمایشات نماینده محترم را البته یکی یکی جواب عرض خواهم کرد ؛ در مقدمه

يك اشاره ای فرمودند ، فرمودند ؛ وزیر مالیه از حنظار استفاده میکنند ، بنده که احتضاری قائل نیستم و استفاده هم هیچ وقت از احتضار نمیخواهم بکنم و همیشه میل دارم اگر طرف صحبت یا مذاکره یا مبارزه میشوم همیشه با زنده ها باشم و الحمدلله شکر میکنم که هیچ احتضاری در بین نبوده و نیست و بنده این فکری را که این مطلب با اشاره میکنند که يك مجلس ممکنست بگذرد احتضاری داشته باشد فکر غلطی میدانم مجلس را تا آن دقیقه ای که دوره قانونیش سر زفته است مجلس میدانم و مطابق اصول مشروطیت حاکم و فرمانروا میدانم و هیچ کدام از آقایان نمایندگان که اینجا نشسته اند معتقد نیستم که در دوره تقنینیه در دوره ای که موظف بادای وظیفه ای هستند اینقدر ضعیف باشند که يك موقعی برای خودشان قائل بشوند که در آن موقع در ایفاء وظیفه خودشان باید سستی و نهان کنند . در موضوع لایحه ای که مطرح است فرمودید که يك قسمت عمده از این مخارج مربوط است به بنائاتی و بنائاتی همیشه يك موقع معینی دارد چطور شده که این لایحه در آخر سال آمده است . اولاً بنده نمائمی کنم از نماینده محترم و از آقایان دیگر که متذکر باشند که این لایحه در اول سال آمده است مگر بنده اینجا عرض کرده ام این تجزیه و بالآخره کسر شده است لایحه يك میلیون و نیم است که این لایحه يك میلیون و نیم را اگر بتاریخش مراجعه بفرمائید مدتها قبل به مجلس تقدیم شده بعد نظر به مقتضیات ، حسابها ، تأمین بانک ، محاسبات مملکتی ؛ اینطور لازم شد این لایحه را بنده پس بگیرم و مجدداً درش يك مطالعه بکنم و دوسریه تقدیم کنم ، پس گرفتم و يك اصلاحی کردم باین ترتیب و این هم مدتی است آمده است . و علاوه بر آن آقای مصدق السلطنه که خودشان اغلب بنائاتی فرموده اند و سابقه دارند البته باید تصدیق بکنند که تهیه اعتبار همیشه لازم ملزوم عمل فوری که نیست . ملاحظه بفرمائید ، البته بنده هم تصدیق میکنم

این دوست هزار تومان . اسبصد هزار تومان که برای فلان بنائاتی و ساختمان میدهد در این ماه های آخر سال و در این ماه های زمستان که ما برویم در این سرما گل روی هم بگذاریم و خشت بگذاریم ولی تقاضای اعتبارش آبا الزامی دارد . وقتی يك خرجی را شما ضروری فرض کردید تقاضای اعتبار تعیین خرجش آبا تفاوتی دارد که توی يك اطاقی که بخاری میسوزد توی زمستان باشد یا توی يك هوایی که آدم يك لای قبا توی خیابان راه میبرد توی مجلس هم که می آید عرق میکنند ؛ این الزامی که ندارد ؛ البته وقتی خرجی ضرورت دارد اعتبارش را باید از يك محلی معین کرد و اعتبارش را تصویب کرد و در موقع خودش خرج کرد . و حالا چون در کلیات فرمایشاتتان يك قسمت راجع به بنائاتی فرمودید و فرمودید وقتی که رسیدیم بیک قسمت جزئیات بنائاتی يك فرمایشاتی که مربوط به همان قسمت است خواهید فرمود بنده هم بطور کلی جواب قسمت اول را عرض میکنم و وقتی به قسمت جزئیات رسیدیم بطور تفصیل آنجا عرض خواهم کرد حالا در قسمت کلیات اول فرمایشاتی فرمودید . علاوه فرمودید که سابقاً يك صورت عملی بوده که وقتی میخواستند يك چنین کارهایی بکنند بر آورد هایی میکردند معین میکردند يك برانی صادر می کردند ؛ بعد يك حسابی میکشیدند خوب اینها از نقطه نظر عمل صحیح است ولی حالا هم همینطور است ؛ فرم تغییر کرده حالا میایند مجلس يك اعتباری میکنند وقتی که اعتبار را گرفتند بعد وزارت مالیه این اعتبار را (نه بکوه) برور ، خرد خرد هر وقت لازم میدانند بیک اداره دیگری که وزارت فوائد نامه است یعنی اداره که مربوط باین بنائاتی است تحویل میکنند صورت بر آوردی را هم قبلاً از شان میکشید بعد صورت خرجش را هم از شان میکشید . الان این درویش هزار تومانی که اینجا ملاحظه میفرمائید که باریک رقی معین کرده ام این از روی يك بر آوردی بودم و بر آوردش هم موجود است ولی البته وزارت مالیه

تا وقتی که ساخته نشود و حسابش قطعی نشود پیش شما نمی آورد که بشما بگوید ؛ پیش خودش حساب میکند اعتبار میکشید آنوقت میبرد آن عملیات اداری را میکنند اگر در کلیات ملاحظه بفرمائید از نقطه نظر رسیدگی بحساب ؛ بر آورد کردن ؛ جمع کردن و این قسمت ها تغییری نکرده ؛ این دقیق تر و محکم تر نشده باشد قطعاً سست تر نشده است . يك مسئله دیگر در ضمن کلیات فرمودند و آن راجع باین بود که ما تشخیص اضافه عایدات را چه جور دادیم و اضافه عایدات نیست و فرمودند اضافه عایدات را وقتی میشود تشخیص داد که در یکستون بنویسند عواید پیش بینی شده و در يك ستون بنویسند عواید وصولی و آنوقت در ستون ثالث بنویسند این اضافه عایدات . خوب همینطور است تمام کارهای دنیا همینطور است تمام کارهای بودجه خودمان را اگر بخوایم از نقطه نظر اصولی رویه اش را در اینجا در پشت ریبون ذکر کنیم همینطور است و تطبیق با عمل دارد . این اضافه عایدات را با این صورتی که آقا فرمودند برای این ممالک قائل شدیم ولی خیلی هم کاملتر از این حساب شده . چطور ؛ حالا بنده عرض میکنم . در ۳۰۵ یعنی از قبل از ۳۰۱ در ۳۰۴ برای ۳۰۵ يك عوایدی در بودجه پیش بینی شده بیست و دو میلیون بیست و سه میلیون ؛ بیست و چهار میلیون وقتی که سنه ۳۰۵ منقضی شده مخارجی که برای سنه ۳۰۵ پیش بینی شده بوده پرداخته شده سه ماه هم از ۳۰۶ گذشته آنوقت مانده میکنیم توی خزانه مان می بینیم که چهار میلیون و نیم یا پنج میلیون یا شش میلیون پول داریم . این یعنی چه ؛ یعنی اضافه عایدات (این را هم باید عرض کنم . راجع باین ارقامی که اینجا عرض میکنم این را باید قید کنم که چون وزیر مالیه هست مبادا آقایان تصور بکنند که این ارقام قطعی است بطور تقریب و بطور مثل این را عرض می کنم) فرض بفرمائید در ۳۰۵ ما پیش بینی کرده بودیم بیست و دو یا بیست و سه

میلیون عایدات و مخارجان را هم تطبیق کرده بودیم با این بدست و سه میلیون وقتی مخارجان را کردیم و ۳۰۵ هم گذشته مانده نگاه کردیم دیدیم نوبت خزانه مان پنج میلیون پول داریم شش میلیون پول داریم این یعنی چه؟ آنوقت معنایش این است که ما عوض بدست و دو میلیون عایدات يك عایدات بیشتری پیدا کرده ایم و بعلاوه از مخارج پیش بینی شده هم بکفتری کمتر خرج کرده ایم بکیش میشود اضافه عایدات و بکیش هم میشود صرفه جوئی و تفکیک هم از هم همه روزه برای ما حاضر و موجود و ممکن است پس وقتی ما میگوئیم اضافه عایدات اضافه عایدات هم الطوری که نماینده محترم فرمودند از روی ستون جمع است و مقایسه عایدات پیش بینی شده و عایدات وصول شده یا مخارج پیش بینی شده و مخارج عمل شده این نتیجه اش است. پس روی هم رفته وقتی درست دقت بفرمائید در اصل و کلیات اختلاف نظری نداریم و عمل هم مطابق همین رویه و ترتیب شده است و میشود يك مسئله دیگری هم هست از نقطه نظر کلی و آن تشخیص ضرورت مخارج است و فرمودید که در هر موقعی که يك خرجی ضرورت پیدا بکند ولو عایدات نباشد ولو اضافه عایدات نباشد ولی به مجرد اینکه ضرورت پیدا کرد يك مخارجی آن مخارج را باید کرد و بعد از برای آن يك عایدات جدیدی تأسیس کرد: البته از نقطه نظر اصول مملکت داری و از نقطه نظر حفظ وصیالت منافع يك جامعه این اصل خیلی صحیح است خیلی محرز است، خیلی مسلم است، منتهی ما چه میگوئیم؟ ما میگوئیم حسن اداره این است که انسان بتواند مخارج خودش را هم برساند بدون اینکه مجبور شود يك اضافه عایداتی از راه مالیه های جدیدی پیدا کند یا از راه يك استقرارهایی که بعد مجبور باسهلاك آن بشود. پس در حقیقت این اقلامی را که ملاحظه میفرمائید اگر ما میخواهیم يك قدری نزدیکتر بواقع بشویم اسمش را چه باید بگذاریم؟ باید بگذاریم مخارج پیش بینی نشده در بودجه یا مخارج غیر مترقبه. چرا؟ برای اینکه وقتی شما

از برای مملکتی بودجه می نویسد این بودجه را سه ماه چهار ماه قبل از آن سالی که برایش می نویسد تهیه میکنید يك مخارج عادی و معمولی را در نظر میگیرید این عمل شما این فکر شما هیچوقت حاکم بر قضا باشد نمیتواند باشد مملکت است و قیامی اتفاق می افتد زندگانی را نمیشود منجمدش کرد مقیدش کرد بيك چهار دیوار. يك خرجی هم که پیدا میشود که ضروری تشخیص میدهند ولی قبلاً پیش بینی نشده این اسمش چیست؟ مخارج غیر مترقبه یا مخارج پیش بینی نشده. دولت چه باید بکند؟ باید مراجعه کند به محل قانون گذاری و لزوم این خرج را ارائه بکند و تصویبش را بخواهد. در بودجه باید همیشه اعتبارات هنگفتی برای این موضوع گذاشت همانطوریکه آقای دکتر مصدق خوب میدانند در تمام ممالک دنیا هست منتهی بواش بواش آشنا میشویم و بدبختانه يك سوء ظنی در مملکت ما، در نژاد ما، و شاید در فطرت ما موجود است که آخر هم هر صدمه ای ما مجبوریم روی این اساس است ماها ملاحظه میکنیم از اینکه در بودجه های مملکتی يك مبالغ هنگفتی بعنوان اعتبارات مخارج پیش بینی نشده بگذاریم و این قلم را حتی المقدور کوچکش میکنیم ضعیفش میکنیم ذلیلش میکنیم مراجعه کنید به بودجه يك مملکت دیگر (شما که بهتر از بنده میدانید) به بینید آن اقلام و آن شایدترها که برای مخارج پیش بینی نشده میگذارند چقدر عریض و طویل است، يك مرتبه در وسط سال شما مصادف می شوید با يك سیاست مملکتی یا يك مطلب خیلی مهمی که ایجاد میکند این فکر را برای محبس که دوست هزار تومان تهیه پول بکند برای اصلاح محبس ها اینرا چه باید کرد؟ این را باید گفت که چون ما امروز پیش بینی نکردیم امروز نباید خرج کنیم؟ باید بکنیم. و همانطوریکه فرمودند مخارجیکه خیلی ضرورت دارد باید کرد و باید دید که این اقلام اگر ضروری هستند قبول کرد و اگر ضرورتی نیست

ردش کرد بنده هم عرضی ندارم و آن روز هم عرض کردم ما وقتی این لایحه را تقدیم شما میکنیم این مخارج و اقلام را بنظر خود مان ضروری میدانیم حالا بحث میکنم. یکی یکی آقا عقاید خودشان را فرمودند بنده هم یکی یکی جواب عرض میکنم. در موضوع قرضه اصفهان فرمودند که آیا آن رأی که سابقاً داده شده است (و خودشان درش شرکت فرمودند مطابق آنچه که خودشان فرمودند) و آن قانونی که گذشته است کافی بوده و اینکار شده یا اینکه حالا باید بشود. این را گمان میکنم نه محتاج به سؤال و نه محتاج به توضیح باشد برای اینکه قانون را البته آقایان در خاطر دارند در خاطر هم نداشته باشند ممکن است مراجعه بکنند آن قانون قطعی است دولت را مکلف کرده باینکه صد هزار تومان بيك ترتیب معینی برای تأیید و پیشرفت يك امر صنعتی در مملکت بيك کسی که آمده است يك مبالغی از سرمایه خودش را خرج کرده است بيك شرایط آسان قرض بدهد منتهی در آن موقعی که آن قانون را در اینجا گذرانید و آن روز که آقای دکتر مصدق خودشان موافق بودند با آن وسعت نظر و بصیرتی که در امور مالی دارند البته ممکن بود این نقصان را آنجا اصلاح بفرمایند آرزو در آن قانون تشخیص فرمودند که این از کدام محل باید حساب بشود حالا ما این عملی را که میآئیم اینجا میکنیم از نقطه نظر قید فوق العاده ایست که به حفظ قانون باید داشت، شما گفتید این پول را بنده ما هم دادیم خوب این را میبریم توی دفتر توی حساب در مقابل فلان اعتبار وارد میکنیم ولی اعتبارش را می آئیم اینجا از شما رأی میگیریم برای اینکه آن عمل محاسباتی توی دفتر صحیح باشد والا این يك پولی است تصویب شده داده شده و اصلاً بعقیده من از نقطه نظر خود پول مورد رأی نیست از نقطه نظر محاسبه است این است که بنده در اینجا قید کردم که از نقطه نظر محاسبه است دوم فرمودند (حالا

بنده نمیدانم که این یادداشتی که کردم بترتیب اقلام است یا نه ولیکن چون در يك قسمت اقلام آقای دکتر مصدق موافق و مساعد بودند و قصدی نداشتند آنها را البته محتاج باین نیست که بنده تجدید کنم آن قسمتها را که آقا نظریاتی داشتند و توضیحاتی خواستند باید عرض کنم) دومی آن راجع به سجل احوال است. فرمودند ما يك قانونی گذرانیدم کرد و خوردی.

آقای سعید یعقوب - کرد و خوردی

وزیر مالیه - بله. حالا بکسر و بفتح و هر طوری که میل دارید. مثل معروفی است قوش شکاری که سی خودش بگیرد و سی خودش بخورد. فرمودید يك چنین قانونی گذرانیدم بسیار خوب در همان قانون شما و زار مالیه را مکلف کردید باینکه خرج سجل احوال را بدهد و از بابت عایداتش حساب کند این مشکل بود قانونیکه هنوز عملی نشده و سجل احوالی که تأسیس نشده و دفاتر ندارد و تشکیلات ندارد توسعه ای پیدا نکرده که عایدات پیدا بکند. معنای این قانون این است که ما بایستی پول بدهیم و باعتبار عایدات سجل احوال را تشکیل بدهیم. بيك عایداتی هم پیدا کردیم و مطابق همین ترتیب عمل کردیم پول دادیم بودجه نوشتند خرد خرد تکه تکه مال مرکز را نوشتند از وزارت داخله آوردند مالیه وزارت مالیه کم کرد و زیاد کرد و رسیدگی کرد بعد وقتی که موافقت کرد پولش را داد بعد بيك کارهای دیگر کردند همینطور بواش بواش توسعه پیدا کرده بيك حسابهایی را هم ما کردیم و هم منحصصین وزارت داخله راجع بعایدات و بيك اقلام خیلی بزرگی را هم پیش بینی کردیم که این عواید را هم ما از سجل احوال خواهیم داشت مثلاً ملاحظه میفرمائید همین بودجه امسال که الان دست آقای سعید یعقوب است در آنجا عوائد سجل احوال را دوست بدست هزار تومان پیش بینی کردیم خوب موقوفی که در عمل داخل شدیم جلورفتیم دیدیم نه این حسابهایی که ما فرض میکردیم این اندازه نیست بیکم و قوی از سال رسیدیم دیدیم ما باین عوائدیکه وصول

کرده ایم و يك مخارجی که داریم يك تفاوتی در حدود شصت هفتاد هزار تومان پیدا کرده است حساب کردیم دیدیم تا سه ماه چهار ماه دیگر شاید باز همینطور يك تفاوتهای دیگر پیدا کند ولی حساب قطعی نبود این بود که در آن تاریخ يك صد هزار تومانی اینجا پیش بینی کردیم برای اینکه آن وظیفه را که شما ما محمول کرده بودید که پول بدهیم سبجل احوال تشکیل بشود محل آرا هم تعیین کرده باشیم که از عوائد بگیرند ما پیش بینی کردیم دیدیم که عوائد تکافو برای خرجی که باید بکنیم نمیکرد (این مال گذشته است که حالا داریم توضیح میدهم) آمدیم این را نوشتیم بعد فکر کردیم که بعد چه باید بکنیم يك قانونی باید برای سبجل احوال از مجلس بگذرانیم و باید يك بودجه برای سبجل احوال از مجلس بگذرانیم بودجه سبجل احوال را خواستیم وزارت داخله درخت کرد فرستاد گفتیم این بودجه را بر داریم ببریم در مجلس تصویب بکنند که ما مخارج را بکنیم عوائد را هم ضبط کنیم آنوقت دیگر کم و زیادش باشد جزو عوائد مملکت یعنی این هم جزو مخارج مملکتی بیاید تصویب این صد هزار تومان تاخیر شد چون آن لایحه پس گرفته شد و این لایحه هم عقب افتاد ما در مالیه اصلاً جلو پول را گرفتیم الان سه ماه چهار ماه است که به سبجل احوال يك پول داده نشده برای اینکه ما دیدیم و برای ما از روی حساب قطعی شد که اگر ما پول بدهیم عوائدی از این راه حاصل نمیشود که به حساب بگذاریم. تا آن وقتیکه این مسئله برای ما مقطوع نبود میتوانستیم پول بدهیم ولی وقتی که مقطوع شد ما دیگر پول ندادیم. نتوانستیم بدهیم سبجل احوال هم دارد میخواهد. این طلب گذشته آن است مال فعلی آن نیست و اینکه فرمودید که تعیین کنیم که عوائدش چیست مخارجش صحیح است بنده هم با حضرتعالی موافقم این را هم تهیه کرده بودیم بگذاریم بودیم برای آخر سال که رقب قطعی جمع و

خرجش را معین کنیم ببینیم علاوه بر این صد هزار تومان باز پولی لزوم پیدا میکند یا نه آنوقت اگر لزوم پیدا کرد بیاوریم اینجا بگوئیم این سبجل احوال این دخلش است و این خرجش است خرج آرا بدهید...

دکتر مصدق - همه اش عمل نسبه است!
وزیر مالیه - برای سال آینده فکر کردیم (آن روز هم عرض کردم) دیدیم آن شکل عمل اصلاً مقتضی نیست صلاح شما نیست صلاح ما هم نیست. عوائد سبجل احوال را می خواهیم بکلی حذف کنیم. قانونش را هم تهیه کرده ایم بیاوریم مجلس بودجه مخارج سبجل احوال را هم تهیه کرده ایم بیاوریم مجلس و جزء بودجه های مملکتی در قسمت اعتبارات وزارت داخله بودجه اش را پیش بینی کرده ایم که خرجش از بودجه مملکتی باشد و عایدی هم از خودش نداشته باشد آنها را هم می آوریم اینجا تصویب کنید. حالا چه میفرمائید؟ که چرا سبجل احوال بموجب حکم قانون دایر شده؟ یا این سبجل احوال ممکن است بدون پول دایر شود؟ گفتید عوائدش تکافو نمیکند باید سبجل احوال کوچکتر باشد؟ اینک چیزهایی است که تمام دست خودتان است شما يك امری دادید ما هم اجرا کردیم لازمه آن اجرا این است که بیائیم بشما بگوئیم تا فلان تاریخی که بر ما روشن شده این مقدار زیادی داده ایم این را بما اجازه بدهید که مطابق این قانون از عایدات حساب کنیم بعد برای آتیه فکری بکنید اما آمدیم سر مجلس ها فرمودید که اصولاً با ساختمان و تعمیرات مجلس موافقت فقط شاید حالا موقعش را خوب نمیدانید و يك مطلبی هم فرمودید که مجلس ها بمان را میخواهیم شبیه کنیم به مجلس های اروپا: تصدیق بفرمائید آقای دکتر مصدق که مجلس ها را میخواهیم شبیه کنیم به مجلس های اروپا این تعبیر باین شکل نباید بشود بایستی گفته شود که مملکت در تحت تأثیر يك سیاست و يك عواملی میخواهد در ترقی برود. مملکتی که میخواهد روزه ترقی برود...

مدرس - از مجلس باید شروع شود!

وزیر مالیه - همه چیزهاش بایستی متناسب با آن بود آل و با آن آمال و ترقی خودش تطبیق بشود اینها نام واقعی دارد بنده (و حضرتعالی هم با من یقین دارم موافقت) معتقدم که همیشه از نقطه نظر تقدیم و تأخیر مسائل داخلی باید مقدم بداریم ما باید در قسمت ها و مراحل و طبقه بندی رفتن رو به ترقی آن قسمت هائی که با سیاست خارجی ما و تقوای حیاتی ما تماسی دارد آنها را همیشه به مسائل داخلی مقدم بداریم مسائل داخلی یکسال هم عقب بیفتند اهمیت ندارد. اصلاً چرا مقایسه نمیفرمائید با آن روزی که اصلاً امید این اصلاحات را ما نداشتیم با آن روزی که اصلاً فکر نمیکردیم که بتوانیم رو به این فضاها برویم. حالا فرض بفرمائید که آن شباهتی که باید پیدا بکنند در قسمت های خوب همانطور که فرمودید بنده هم با سرکار کاملاً موافقم آنها را فرض بفرمائید شش ماه دیگر بشود...

دکتر مصدق - عجب!!

وزیر مالیه - کدام مقدم است؟ اصلاً ما باید باشیم بایستی زنده بود بایستی حساب مستقل داشت بایستی اقتدارات داشت آنوقت تمام این مسائل را درست کرد آن قسمت ها قسمت هائی است که بایستی ما بلا مضایقه و بدون ملاحظه مقدم بداریم این قسمت هم از آن قسمت هاست. بر آورد و غیر ذلك را هم که خدمتشان عرض کردم که شده است و خودتان مسبوق هستید. يك مسئله را باید اینجا عرض کرد که قانون جزای عرفی ما... (قانون مجازات عمومی. ببخشید چون بگفت بنده آشنا بودم بان اصطلاح هنوز هم نظرم هست ببخشید) قانون مجازات عمومی ما مثل تمام قوانین دنیا بالاخره حبس و محبس را تنها برای دزد معین کرده محبس را برای دزد نمی سازیم. محبس را برای

محبوس میسازیم برای هر کس که بموجب قانون حق حبس را دارد دزد هم یکی از آنها است. آمدیم سر قسمت بنائی قصور...

دکتر مصدق - مطبوعات.

وزیر مالیه - بله آقا؟ چه فرمودید؟

دکتر مصدق - عرض کردم قسمت سانسور مطبوعات.

وزیر مالیه - بله در قسمت مطبوعات هم عرض میکنم بنده اینجا وزیر مالیه هستم دفاع میکنم (خنده نمایندگان) از اوضاع مالی و لایحه مالی. باین ملاحظات است والا بنده ملاحظه ندارم از اینکه جنابعالی چیزی میفرمائید جواب عرض کنم. بنده خودم در ضمن صحبت بشما عرض کردم که از موافقین این عقیده هستم دولت هم موافق است و اول کسی هم که با این مسئله موافق است شخص اعلیحضرت است که همه چیز ما باید روبرقی برود و شخص اعلیحضرت را خودم دیده ام که اغلب متأثر میشوند از اینکه چرا يك وقتی بی تجربگی ها و يك خلاف سیاست هائی میشود که آن خلاف سیاست ها الزام میکنند که برای حفظ يك اصل بزرگتری يك اصل کوچکتری به تناسب (والا خود اصل خیلی بزرگ است) باید خدشه بردارد. ایشان معتقدند و تمام ما معتقدیم که باید مطبوعات ما آزاد باشند. ما معتقدیم باینکه مطبوعات از ارکان حکومت ملی است و از ارکان مشروطیت است. ما معتقدیم باینکه بایستی این ارکان مملکتی و این ارکان آزادی را تکبیر کرد و تقدیس کرد و تعظیم کرد ولی در مقابل آن کسی که مسؤل سیاست مملکت است بواسطه اینکه شما او را گذاشته اید و باو اعتماد کرده اید و آن کسی که مسؤل سیاست و يك حسن جریان هائی است وقتی بر بخورد بيك مشکل هائی که دارد يك مسئله اساسی را ضایع و خراب میکند اگر بگفدري قصور در يك اصلی میکند بکنند شما هم باو اعتماد داشته باشید و مطمئن باشید که اصول را میخواهد حفظ کند و الا خودش آنکسی است که آرزو مند است يك روزی برسد که تعلیمات ما

کرده ام و يك مخارجی که داریم يك تفاوتی در حدود شصت هفتاد هزار تومان پیدا کرده است حساب کردیم دیدم تا سه ماه چهار ماه دیگتر شاید باز همینطور يك تفاوتی دیگر پیدا کند ولی حساب قطعی نبود این بود که در آن تاریخ يك صد هزار تومانی اینجا پیش بینی کردیم برای اینکه آن وظیفه را که شما ما محمول کرده بودید که پول بدهیم سجل احوال تشکیل بشود محل آرا هم تعیین کرده باشیم که از عوائد بگیرند ما پیش بینی کردیم دیدیم که عوائد تکافو برای خرجی که باید بکنیم نمیگردد (این مال گذشته است که حالا داریم توضیح میدهم) آمدیم این را نوشتیم بعد فکر کردیم که بعد چه باید بکنیم يك قانون باید برای سجل احوال از مجلس بگذرانیم و باید يك بودجه برای سجل احوال از مجلس بگذرانیم بودجه سجل احوال را خواستیم وزارت داخله درست کرد فرستاد گفتیم این بودجه را بر داریم ببریم در مجلس تصویب بکنند که ما مخارج را بکنیم عوائد را هم ضبط کنیم آنوقت دیگر کم و زیادش باشد جزو عوائد مملکت یعنی این هم جزو مخارج مملکتی بیاید تصویب این صد هزار تومان ناخبر شد چون آن لایحه پس گرفته شد و این لایحه هم عقب افتاد ما در مالیه اصلاحات پول را گرفتیم الان سه ماه چهار ماه است که به سجل احوال يك پول داده نشده برای اینکه ما دیدیم که برای ما از روی حساب قطعی شد که اگر ما پول بدهیم عوائدی از این راه حاصل نمیشود که به حساب بگذاریم. تا آن وقتیکه این مسئله برای ما مقطوع نبود میتوانستیم پول بدهیم ولی وقتی که مقطوع شد ما دیگر پول ندادیم. نتوانستیم بدهیم سجل احوال هم دارد میخواهد این طلب گذشته آن است مال فعلی آن نیست و اینکه فرمودید که تعیین کنیم که عوائدش چیست مخارجش صحیح است بنده هم با حضرتعالی موافقم این را هم تهیه کردم بودیم گذاریم بودیم برای آخر سال که رقم قطعی جمع و

مدرس - از محبس باید شروع شود ۱۴
 وزیر مالیه - همه چیزهايش بایستی متناسب با آن بود آل و با آن آمال و زرقی خودش تطبیق بشود اینها تمام موافقی دارد بنده (و حضرتعالی هم با من یقین دارم موافقت) معتقدم که همیشه از نقطه نظر تقدیم و تأخیر مسائل داخلی باید مقدم بداریم ما باید در قسمت ها و مراحل و طبقه بندی رفتن رو به زرقی آن قسمت هائی که با سیاست خارجی ما و تفاوتی حیاتی ما تماسی دارد آنها را همیشه به مسائل داخلی مقدم بداریم مسائل داخلی یکسال هم عقب بیفتد اهمیت ندارد. اصلا چرا مقایسه نمفرمائید با آن روزی که اصلا امید این اصلاحات را ما نداشتیم با آن روزی که اصلا فکر نمیکردیم که بتوانیم رو به این قضایا برویم. حالا فرض بفرمائید که آن شباهتی که باید پیدا بکنند در قسمت های خوب همانطور که فرمودید بنده هم با سرکار کاملا موافقم آنها را فرض بفرمائید شش ماه دیگر بشود ..
 دکتر مصدق - عجب !!
 وزیر مالیه - کدام مقدم است؟ اصلا ما باید باشیم بایستی زنده بود بایستی حساب مستقل داشت بایستی اقتدار داشت آنوقت تمام این مسائل را درست کرد آن قسمت ها قسمت هائی است که بایستی ما بلامضایقه بدون ملاحظه مقدم بداریم این قسمت هم از آن قسمت هاست. بر آورد و غیر ذلك را هم که خدمتشان عرض کردم که شده است و خودتان مسبوق هستید. يك مسئله را باید اینجا عرض کرد که قانون جزای عرفی ما .. (قانون مجازات عمومی) بیخشید چون بگرفت بنده آشنا بودم بان اصطلاح هنوز هم نظرم مثبت بیخشید) قانون مجازات عمومی ما مثل تمام قوانین دنیا بالاخره حبس و محبس را تنها برای دزد معین کرده محبس را برای دزد نمیسازیم. محبس را برای

محبوس میسازیم برای هر کس که بموجب قانون حق حبس را دارد دزد هم یکی از آنها است. آمدیم سر قسمت بنائى قصور ..
 دکتر مصدق - مطبوعات .
 وزیر مالیه - بله آقا؟ چه فرمودید؟
 دکتر مصدق - عرض کردم قسمت سانسور مطبوعات .
 وزیر مالیه - بله در قسمت مطبوعات هم عرض میکنم بنده اینجا وزیر مالیه هستم دفاع میکنم (خنده نمایندگان) از اوضاع مالی و لایحه مالی. باین ملاحظات است والا بنده ملاحظه ندارم از اینکه جنابعالی چیزی میفرمائید جواب عرض کنم. بنده خودم در ضمن صحبت بشما عرض کردم که از موافقت این عقیده هستم دولت هم موافق است و اول کسی هم که با این مسئله موافق است شخص اعلیحضرت است که همه چیز ما باید رو بترقی برود و شخص اعلیحضرت را خودم دیده ام که اغلب متأثر میشوند از اینکه چرا يك وقتی بی نجر بکی ها و يك خلاف سیاستهاى میشود که آن خلاف سیاست ها الزام میکنند که برای حفظ يك اصل بزرگتری يك اصل کوچکتری به تناسب (والا خود اصل خیلی بزرگ است) باید خدشه بردارد. ایشان معتقدند و تمام ما معتقدیم که باید مطبوعات ما آزاد باشند. ما معتقدیم باینکه مطبوعات از ارکان حکومت ملی است و از ارکان مشروطیت است. ما معتقدیم باینکه بایستی این ارکان مملکتی و این ارکان آزادی را تکبیر کرد و تقدیس کرد و تعظیم کرد ولی در مقابل آن کسی که مسؤل سیاست مملکت است بواسطه اینکه شما او را گذاشته اید و باو اعتماد کرده اید و آن کسی که مسؤل سیاست و يك حسن جریانهائی است وقتی بر بخورد بيك مشکل هائی که دارد يك مسئله اساسی را ضایع و خراب میکند اگر بگفدري قصور در يك اصلی میکند بکنند شما هم باو اعتماد داشته باشید و مطمئن باشید که اصول را میخواهد حفظ کند و الا خودش آنکسی است که آرزومند است يك روزی برسد که تعلیمات ما

را مطبوعات قرار بدهند و انشاء الله آن روز هم خواهد رسید. مسئله دیگر که فرمودید مسئله قصور سلطنتی است ...

دکتر مصدق - دم دروازه ها

وزیر مالیه - چطور آقا؟

دکتر مصدق - دم دروازه ها را فرمودید

وزیر مالیه - (با خنده) خوب من آنکه مهمتر بود گفتم اینکه هیچ ولی بنده بدم نمی آید، ملاحظه ندارد بلکه کار بواش بواش به مکالمه و صحبت دارد میکشد. بنده اصلاً مجلس را این طور خوب می دانم، بنده مجلس را باین فرمالیته که یکی برود پشت تریبون حرف بزند عقیده ندارم. نه اساساً اینطور باشد چه عیب دارد یکی شما بفرمائید بنده هم عرض میکنم يك قدری هم بخندیم ...

آقا سید یعقوب - از خارجیش چیست؟ مطبوعات از سانسور خارج شد؟ نه

وزیر مالیه - قسمت چهارم که راجع بقسمت بنائی وقصور سلطنتی است اینجا بنده متأسفم از اینکه شاید لایحه و خبر آنطوری که بایستی عبارتش روشن باشد روشن نیست و آقای دکتر مصدق را که بنده یقین دارم آدم بسیار منصف و آدم بسیار وطنخواهی هستند ایشان را اغوا بیک اشتباهی کرده است و در اینموضوع اینجا امروز انصافانه حرف زدند. این تقصیر خودشان نیست تقصیر لایحه است. قصور سلطنتی که فرمودید ببینیم قصور شخص شاه است؟ آقا این اندازه از این مملکت و از جریان داخلی مملکت مطلعید و میدانید که هیچ مورد نداشته این سؤال را اصلاً بکنید (صحیح است) همه میدانید همه آقایان دیندار که اعلیحضرت همیونی همانطوری که خودتان فرمودید نسبت به خانه خودشان و نسبت به قصور خودشان خودشان هر کاری که دلشان می خواهد میکنند و هیچوقت نه يك قران و نه يك تومان نحیلهای سواى آن بودجه خودشان بشاندارند

این را هم همه میدانید و بنده نمیدانم اصلاً مورد اینکه اینجا گفته شود برای چیست. برای اینکه من میدانم شما سوء نیت ندارید و قطع دارم مطلب اینطور است پس یقین میکنم شما اشتباه کرده اید پس بنا بر این قصور قصور دولتی است یعنی قصور سلطنتی دولتی معنایش این است درست است قصور دولتی و قصور سلطنتی دولتی در اصطلاح ممکنست با هم فرق داشته باشند. قصور سلطنتی آن قصور دولتی است که سلطان یا خانواده سلطان در آن سکنی و منزل دارند ممکن است دولت يك قصوری هم داشته باشد برای کارهای دیگر که قصور سلطنتی نباشد موزه باشد، سرناز خانه باشد، اینها را میکوبند قصور دولتی. فرح آباد و شاه آباد و دوشان تپه و اینها هم که فرمودید اینها همه وزن شعر بود تصدیق میفرمائید و اشکال پیدا کردن قافیه بود که خودتان مسبوق هستید و تصدیق دارید که اعلیحضرت مواظبتش از نقطه نظر بیت المال و از نقطه نظر مالیه این مملکت از همه ماها بیشتر است. (دکتر مصدق صحیح است) اگر صحیح است آقای دکتر مصدق باید قطع داشته باشید که ایشان هیچ وقت نمی آیند بگویند که شما بروید صد و بیست هزار تومان بگذارید توی بودجه برای اینکه بروید فرح آباد را تعمیر کنید. شما کدام يك از این هوس بازیهائی را که بوده و همه داشته اند و یکی از لوازم سلطنت است و همه جای دنیا هم هست دیده اید که ایشان داشته باشند؟ شما نگاه کنید در تمام ممالک دنیا پادشاهان امپراطوران قصر بیلاقی دارند شکار گاه دارند قصور سلطنتی متعدد دارند همه آنها را از بودجه مملکتی نگاه میدارند حقوقات گزاف هم میگیرند کدام یکی از آنها را دیدید که پادشاه ماعمل بکند سادگی زندگی او او را اصلاً باین فکر نمی اندازد که او بیاید صد و بیست هزار تومان اعتبار بگیرد برای اینکه ما ببائیم سلطنت آباد یا فرح آباد را تعمیر کنیم یا دوشان تپه یا عمارتی را در پشت کوه تعمیر بکنیم. ما نباید خودمان را بیک نجاهل هائی

بزنیم که اصلاً آنها خوب نیست. فقط يك قصر شهری است قصر بزرگ معروف به برلیان است که معروف به قصر سلطنتی است ...
دکتر مصدق - قصور نوشته.

وزیر مالیه - عرض کردم بنده خودم تضعیف میکنم و تکم میکنم بفرمایشات سرکار در اینکه این اشتباه را ما کرده ایم. مثلاً ما نوشته ایم ساختمان شما میگوئید کجا را میخواهید بسازید. آقا میفرمائید او، کجا ها را میخواهید بسازید!! خیر آقا ساختمان نیست. بالاخره شما میفرمائید من عقیده ام این است که قصور را باید کوبید خوب این خیلی خیلی بد است، شما باید معتقد بان باشید که مادر حدود معنی در يك حدودی باید همه چیزمان مجمل باشد در يك حدودی همه چیزمان مجمل و معظم باید باشد. ما امروز با بودجه ای که فعلاً در مملکت داریم نباید مثل پادشاه انگلستان که مشروطه ترین ممالک دنیا است و میدانید قدری ترین مشروطه دنیا است بیست تا قصور مختلفه سلطنتی و دولتی داشته باشیم که همه اش هم از بودجه مملکتی تعمیر شود اما يك قصر سلطنتی که داریم این باید مجمل باشد، آبرومند باشد نباید چکه کند اصلاً این فکر فکری است آقای دکتر مصدق. ما همیشه بایستی سعی کنیم در مملکت خودمان تمام افراد و تمام مردم را ممتول کنیم تساوی را اگر میخواهیم باید همیشه از بالا بخواهیم تساوی از پائین چیز بدی است. همه را قبرستان کنیم همه را گدا کنیم برای اینکه همه متساوی باشند! باید همه را غنی کنیم زحمت بکشیم و کار کنیم وسیله پیدا کنیم آنچه که ممکن است مردم را غنی کنیم. قصر سلطنتی فرح آباد اسمش قصر سلطنتی نیست يك شکار گاهی بوده مورد ندارد. خودتان میدانید مذاکره این است که یکیش مریضخانه بشود یکیش سرناز خانه شود یکیش مدرسه بشود یکیش هم میخواهد فروخته شود قصر سلطنتی يك قصر مرکزی شهر است که در طهران دارید

يك قصر هم دارید در شیران صاحب قرایه همین همین خوب این بایستی خراب باشد؟ خیر بایستی مجمل باشد آباد باشد ...

دکتر مصدق - آباد هست تعمیر ندارد

وزیر مالیه - شما حیثیت مملکتتان و شرافتتان در این است در آنجا هائی که نماینده های خارجی را پذیرائی میکنید آباد باشد و باید همه جور فداکاری هم برای آن بکنید. و همانطوریکه ما نباید انتظار داشته باشیم که پادشاه مملکت از بودجه مملکت بخواهد برای تعمیرش همانطور هم یکشاهی نباید بگوئیم پادشاه مملکت ما از جیبش برای تعمیر قصور سلطنتی بدهد (دکتر مصدق صحیح است) صحیح است آقا؟ پس باید موافق باشید ...
دکتر مصدق - خرجی ندارد.

وزیر مالیه - ندیده اید شما. قبل از ناجکذاری دو سال قبل از این قصر برلیان را میخواستید به بدینید امروزش را هم ببینید حالا برویم سر قسمت نالوی فرما بستان این پولی که در این جا نوشته قسمت عمده اش خرج شده شما ندیده اید تعمیر آن که در قصر برلیان شده آقایان اغلب رفته اند دیده اند. تغییرات نکرده؟ همان قصری است که سه سال قبل از این بود؟ خیر. چرا میفرمائید خرج ندارد؟ چرا خرج کرده اند. از جیبشان خرج کرده اند و نخواستند در موقعی که در مملکتتان ناجکذاری میکنید بیابند در يك قصر خراب بمانند و این کار را خودشان کرده اند و ما نباید بگوئیم که ایشان بیابند این پول را از جیب خودشان بدهند و هنوز هم تعمیرات باقی است تا تمام است بروید ملاحظه کنید این عمارتی که الان هیئت وزراء است شما را بخدا شما را بانصاف کسی يك همچو جائی را در مقابل ممالک خارجه اسمش را میگذازد قصر سلطنتی؟ آن باغچه جلو سابقاً اصطخر بوده پر کرده اند تا تمام مانده این همینطور باید باشد! آخر اینها يك چیزی است که ما باید حیثیاتی مملکتی خودمان را حفظ کنیم

يك نى انصافی دیگر هم اینجا کردید که این دیگر هیچ عذری هم ندارد اولی را تقصیر و قصور خود ما را بشما بهانه دادیم اما این دیگر عذری ندارد. آن قسمتی بود که اشاره فرمودید به مسئله مداخله وزیر دربار و وزیر غیر مسؤول در بنائی. وزیر دربار ما که خودش یکی از متجددترین اشخاص این مملکت است و از اولین اشخاصی است که در اینجا پشت این میزها بوده است و کیل بوده است و هر وقت و کیل بوده همیشه در صف مترقی ها در این مجلس بوده و پیشنهادهای او و سوابق او، هیچکدام اینها را ما نباید فراموش کنیم که برویم درس احترام مشروطیت به او بدهیم. عمل پادشاه ما هم نشان میدهد که بزرگترین احترام را از مشروطیت همیشه او کرده. قوانین اساسی شما قوانین موضوعه شما را همیشه او بیش از همه کس رعایت کرده. مکرر در مکرر بماها که وزراء هستیم بماها که رئیس ما است از نقطه نظر قوه مجریه در مسائل موعظه میکند امر میکند که ما رعایت قانون را در این مملکت مقدم برین کارها قرار بدهیم. نیایستی اینجا این حرفها را زد که این خلاف قانون است که وزیر دربار این مملکت این کار را بکند...

دکتر مصدق - متأسفانه هست

وزیر مالیه - نیست. بنده عرض میکنم نیست. حالا عرض میکنم چرا نیست. نه بنائی دربار نه بنائی فواید عامه هیچ پولی را ما از مالیه نمیدهیم مگر تحت نظارت خودمان من خودم میدانم مباشر خودم را کی قرار میدهم من مسؤول نه وزیر دربار. من بهتر میدانم من میدهم توسط وزیر دربار او بهتر میداند که آنجا چه باید کرد یا يك نفر عضو ملزومات؟ مسئول من هستم من مسؤول هر وقت میخواهید استیضاح کنید مرا استیضاح کنید قانون معین کرده. مرا معین کرده. من وزیر مالیه مسؤول هستم هر وقت میخواهید مرا استیضاح کنید من حاضر بنده وقتی میخواهم يك عمارتی بسازم که آنجا قصر سلطنتی است انصاف میخواهم کی این را بهتر میتواند تشخیص

بدهد؟ وزیر دربار بهتر میداند که این پنجره را باید کوناه کرد یا آن منشی ملزومات بنده نمیدانم این فرمایشات چیست میکنید. مسؤول منم. هیچ پولی يك دینار (اینجا صریحاً عرض میکنم) يك قران پول تصویب نشده که خرج نمیکنیم هر جا که شما يك قران پول خرج شده دیدید که تصویب نشده بنده را استیضاح کنید هر وقتی هم که تصویب شده باشد از نقطه نظر حفظ اصول و قوانین نا آن قدم آخرش نظارت میکنم. مگر اینکه قانون اجازه داده باشد مثلاً بنده يك پولی را دیدم خودم نمیتوانم نظارت کنم توی قانونش گنجاندیم که باختیار فلان اداره باشد خودتان رأی دادید من هم گذاشتم و الا من خودم یعنی مالیه نه من شخصاً پول را که می دهد دنبال خرجش نا آن آخر میرود. نباید این حرفها را زد نیایستی این مسائل را درش حرف زد يك مسائلی را که عمل هر روزه است و تمام آقایان مشاهده می کنید نباید این قدر حرف زد. مسؤولیت خرج مسؤولیت پول تمام اینها یا مالیه است آقایان باید بدینتر را مسؤول بدانید نه ده نفر را. تشخیص اینکه من این پول را چه جور خرج کنم و بدست کی باید خرج کنم و چه جور مطمئن شوم و چه جور مصلحت میدانم آن با خود بنده است به مسؤولیت خود بنده است هر وقت آقایان خواستند سؤالی کنند اعتراض کنند در این مسئله بنده حاضر هستم جواب بدهم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

حاج شیخ بیات - بنده مخالفم

بعضی از نمایندگان - تنفس

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس

از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای روحی پیشنهاد کرده اند که

مذاکرات کافی است آقای روحی

روحی - در این موضوع دو جلسه است مذاکرات شده

است و بنده عقیده دارم اگر واقعاً قصد لجاج نباشد

مذاکرات مکفی شده و مجلس هم اوقاتش کم است و يك کارهای بزرگتری در دستور داریم این است که بنده پیشنهاد کفایت مذاکرات کردم.

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم يك مذاکراتی در اینجا بعنوان مخالفت از طرف آقای دکتر مصدق شد و وزیر مالیه يك جوابهایی داد اگر اکثریت مجلس عقیده دارند که آن جوابها از طرف خودشان باشد بنده هم موافقم و اگر چنانچه اینطور نیست اجازه بدهید يك نفر وکیل ولو هر مخالفی که نوبتش است باشد جوابهای ایشان را بدهد که بطوریکه وزیر مالیه گفتند هر چه که در این لایحه نوشته شده ما با آن موافقت داریم که دولت میتواند پیشنهاد کند که من برای خرج فلان محل مستوفی الممالک را پیشنهاد کردم فلان آدم را پیشنهاد کردم آقای پیرنیا را پیشنهاد کردم يك کسی را اسم ببرد وزیر دربار را پیشنهاد کردم بالاخره يك اطافهائی در آنجا در دربار هست که نیایستی يك اشخاص خارجی در آنجا داخل بشوند و به نظر خودشان باشد اگر صحبتهای وزیر کافی است بنده هم موافقم و اگر کافی نیست باید جواب داده شود.

عراقی - صحبت آقای وزیر کافی بود.

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات

آقایان که موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. جمعی از آقایان پیشنهاد

کرده اند که باصل لایحه دولت رأی گرفته شود

وزیر مالیه - بنده با این پیشنهاد موافقم و تقاضا

دارم که آقای مخبر محترم کمیسیون بودجه هم از طرف

کمیسیون بودجه موافقت فرمایند. زیرا تفاریقی که در

این لایحه با لایحه دولت هست همان قلم ده هزار تومان

اعانه سلعاس است و بقین دارم که مخبر محترم با بنده

موافقت میکنند در این صورت خبر کمیسیون بودجه و لایحه دولت عیناً موافق است. مخبر - بنده هم موافقت میکنم.

(پیشنهاد مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنیم که نسبت به لایحه اضافات ۱۳۰۵ بطور تجزیه و باورقه اخذ رأی بعمل آید

روحی - جلالی - ..

نایب رئیس - مخالفی نیست؟

(گفته شد. خیر)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی .

(بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم اولاً قانون تخصیص اضافات ۱۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ بسرمايه بانک لغو شود بعد برای لایحه دولت رأی گرفته شود.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - عرض میکنم تقریباً پنج شش ماه بیشتر نگذشته است که در همین مجلس با يك شوق و شعفی همه ماها رأی دادیم که اضافات ۳۰۴ و ۳۰۵ برای سرمایه بانک تخصیص پیدا کنند و مختص به سرمایه بانک باشد مثل اینکه رأی دادیم عوایدی که از قند و شکر در سرحدات گرفته میشود مختص به راه آهن باشد پس دولت هیچ حق ندارد که يك چیزی را که شش ماه، هفت ماه است که میگردد و مجلس تصویب کرده و اجرای آن را بر عهده دولت گذارده است بدون اینکه آن قانون را مجلس لغو کند دولت آن اضافات را به يك چیز دیگری تخصیص بدهد پس باید چون این پول را مجلس يك محلی برایش معین کرده قبلاً مجلس آن قانون را لغو کند بعد این قانون را که مطرح است تصویب کند و نا آن قانون پیش لغو نشده است نمیتوانیم این کار را بکنیم، بنده نمیدانم این کار چه صورتی دارد و بجه قاعده میخواهد دولت این

کار را بکنند؟ حقیقة این دولت هیچ اعتناء به قوانینی که مجلس وضع میکند ندارد...

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست حاج میرزا مرتضی - این دولت بقدری لایالی و بی اعتناء بقوانین است که چه عرض کنم بایستی این دولتی را که احترامات مجلس را محفوظ نمیکند استیضاح کرد...

(همه نمايندگان - صدای زلک)

وزیر مالیه - چرا معطلید؟ آقای حاج میرزا مرتضی حاج میرزا مرتضی - آقایان عرض بنده را گوش بدهید اجازه بفرمائید عرض کنم. نا آت قانون لغو نشود نمیتوانیم این وجهی را که ما برای يك كاري تخصیص داده ایم در جای دیگر خرج کنیم. اول آن قانون را لغو کنید بعد به این لایحه رأی بدهید.

بکنفر از نمایندگان - ماده الحاقیه پیشنهاد کنید. حاج میرزا مرتضی - این ماده الحاقیه لازم ندارد اول آنرا لغو کنید بعد سرمایه که اختصاص به بانک داده اید به این کار بزنید

نایب رئیس - گویا مقصود سرکار این است که ماده اضافه شود که قانون سابق ملغی است میتوانید اگر دولت آن ماده را پیشنهاد نکرده است شما پیشنهاد کنید.

شریعت زاده - اجازه میفرمائید؟ آقا سید یعقوب - ایشان عضو کمیسیون بود چه نیستند نمیتوانند حرف بزنند

شریعت زاده - اخطار نظامنامه دارم. نایب رئیس - بفرمائید

شریعت زاده - عرض بنده راجع به پیشنهاد ایشان است که پیشنهاد ایشان صورت يك طرحی دارد و باید بطور طرح پیشنهاد کنند و این مذاکره در ضمن يك لایحه مورد ندارد خواستم عرض کنم به مقام ریاست که این پیشنهاد مورد ندارد.

نایب رئیس - مقصود ایشان گویا این است که این قانون تناقضی با قانون سابق دارد و چنانچه گفته شد میتوانند يك ماده الحاقیه پیشنهاد کنند که آن قانون لغو شود.

وزیر مالیه - اولاً عرض کنم که این لایحه با آن قانون هیچ تناقضی ندارد دوم آنکه اگر آقای حاج میرزا مرتضی میل داشته باشند که قانون بانک لغو شود ما نمیتوانیم با نظریه ایشان موافقت کنیم (نمایندگان صحیح است) و یقین دارم که اکثریت مجلس هم رأی نخواهند داد. آن قانون لغو نمی شود و بانک هم تأسیس خواهد شد و هر اشتباه کاری هم در اطراف بانک نخواهد بکنید به هیچ جا نمیرسد.

حاج میرزا مرتضی - سرمایه بانک را دارید از بین میبرید. خلاف قانون میکنید برای اینکه بانک تأسیس نشود.

وزیر مالیه - و اما قسمت نظامنامه این قانون را عرض کنم که تشخیص آن با بنده نیست تشخیص آن با مقام ریاست مجلس است ولیکن بنده مطابق اطلاعاتی که دارم ایشان ماده الحاقیه هم نمیتوانند پیشنهاد کنند روحی - بنده پیشنهادی کرده بودم و مجلس هم موافقت کرده است.

نایب رئیس - کدام پیشنهاد

روحی - پیشنهاد تجزیه

نایب رئیس - جمعی از آقایان پیشنهاد تجزیه کرده اند و مخبر هم موافقت کرده است. رأی میگیریم مدرس - پیشنهاد تجزیه رأی نمیخواهد. بکنفرم میتواند پیشنهاد تجزیه کند

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم قسمت دوم در باب سچل احوال بانک نابودجده سچل احوال تقدیم مجلس شود.

نایب رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم که بنده اساساً مخالفتی با اداره سچل احوال ندارم و اول فایده اش این است که احصائیه مملکت معلوم شود ولی این اداره را که ما درست کرده ایم يك اداره منقلبی است و نا بحال چندین شکل و چندین طور پیدا کرده و اخیراً بکلی آن را منحل کرده اند. این اگر يك اداره دولتی است فقط قانون تأسیس سچل احوال برایش کافی نیست

مخبر - آقا مذاکرات کافی شده

بامداد - چیز عجیبی است! پیشنهاد کرده ام يك قلم حذف شود

رفیع - اجازه میفرمائید؟ يك کلمه بیشتر نمیخواهم عرض کنم.

نایب رئیس - بفرمائید

رفیع - عرض کنم این يك ماده واحده بیشتر نیست و در آن مذاکرات کافی شده است پیشنهاد کرده اند که اقلام آن تجزیه شود وقتی که تجزیه شد و رأی گرفته شود هر کسی که نمیخواهد رأی ندهد و هر کس موافق است رأی میدهد.

بامداد - يك کلمه اش را بنده میتوانم پیشنهاد کنم حذف شود تا چه رسد به يك قسمتش خیلی عجیب است !!

بهبهان - همه چیز باید بعد از کفایت مذاکرات گفته شود.

نایب رئیس - پیشنهاد ایشان راجع به حذف قلم سچل احوال است وقتی که آنجا رسیدیم ایشان میتوانند در آن قلم رأی ندهند.

بهبهان - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید

بهبهان - اساساً پیشنهاد حذف یا پیشنهاد اصلاح عبارتی یا اینگونه پیشنهادها اینها باید بعد از کفایت

مذاکرات پیشنهاد شود، اینکه میفرمائید که ماده واحده بوده است و مذاکره درش کافی شده و دیگر تیشود در آن مذاکره کرد خلاف قانون است... رفیع - باید پیشنهاد درموقعش بشود

بهبهان - موقع و غیر موقع ندارد. باید حفظ مجلس را رئیس بکند، در مواقعی که هر نماینده هر پیشنهادی بنظرش رسید پیشنهادش را میدهد، پیشنهاد اصلاح عبارتی، پیشنهاد حذف فقره از فقرات لایحه، تمام اینها بعد از موقعی است که رأی بکفایت مذاکره گرفته میشود پس این پیشنهاد خارج از موضوع نیست و بایستی آقای بامداد مذاکره کند

نایب رئیس - تشخیص بنده این است که حالا که پیشنهاد تجزیه شد این مسئله مثل يك لایحه میشود که هر کدام از فقرات آن يك ماده است پس وقتی پیشنهاد ایشان بموقع خودش رسید خواننده میشود آقای وزیر معارف فرمایشی دارند؟

وزیر معارف - حالا عرضی ندارم

نایب رئیس - در باب قسمت اولی که اعطاء قرضه باشد پیشنهادی نرسیده است

مدرس - بنده پیشنهادی عرض کرده ام

نایب رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در تبصره اولی اضافه شود در صورت مدرس - در آخر فقره اولی

(بقیه پیشنهاد اینطور خوانده شد)

در آخر فقره اولی اضافه شود: در صورتیکه سرمایه بانک از عایدات فقط جنوب تأمین شود.

نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرض میشود آقای وزیر مالیه خوب توجه بفرمائید، ظاهراً خاطر دارم (آقای وزیر مالیه گوش بدهید) يك قانون گذشته است که اگر يك خرجی

برای يك سالی تصویب شود و آن خرج در آن سال نشد و ماند برای سال بعد و سه ماه از سال دیگر گذشت مجدداً باید دولت آزا پیشنهاد کند ' يك همچو قانونی هست ؟

مخبر - بلی در قانون محاسبات عمومی است .

مدرس - شما نگوئید هست خود آقای وزیر مالیه بگوئید وزیر مالیه - بلی هست .

مدرس - پس يك قانونی هست که اگر يك خرجی برای يك کاری تصویب شد و در آنسال آن پول خرج نشد از سال آتی که سه ماه گذشت باید او را مجدداً پیشنهاد کند يك همچو چیزی هست و عمل هم شده است حالا امسال ما آمدیم يك پولی برای سرمایه بانك معین کردیم امسال هم دارد میگذرد ' از سال دیگر هم که دو سه ماه بگذرد ناآتوق هم این آقای وزیر مالیه نخواهند بود .

وزیر مالیه - آرزو است .

مدرس - بنده قول میدهم يك وزیر مالیه دیگری می آید و میگوئیم آزا ما يك بانکی بنا داشتیم و يك پولهایی برای این کار در نظر گرفته شده بود که سرمایه این بانك باشد و سال گذشته که این بانك تاسیس نشد و آقای وزیر مالیه که با متخصص مذاکره کرده است متخصص گفته است که این بانك سرمایه نمیخواهد به آن وزیر مالیه میگوئیم که بیا بانك را تاسیس کن و پولش را پیشنهاد کن میگوئید پول سرمایه بانك را وزیر مالیه سابق خرج کرده است و يك پولی از اضافه عایدات نمائده است که ما بانك تشکیل بدهیم . از يك طرف آقای وزیر مالیه در دو جلسه قبل آمدند و يك لیره هائی ریختند و ما را مفتون کردند که يك میلیون و چه قدر لیره داریم و برای آتی موجود است ' پس خیلی خوب است که سرمایه بانك را از آن پولهایی که گفتند موجود است ناهین کنیم . تمام این مخارج از لوازم مملکت است ' منتها بعضی واجب است ' بعضی

و بخارجی بدهیم و از این مملکت برود و هیچ اشکالی من در این نمی بینم جز اینکه پول نداریم و تمام اشکال ما سر پول است

وزیر مالیه - راجع به قسمت بانك چندین مرتبه بنده در ضمن مذاکراتی که در این لایحه شده است عرض کرده ام که آقایان شما از سرمایه بانك نگران نباشید ' عرض کردم مطابق قانون شما پنج میلیون برای سرمایه بانك تصویب کردید . ما يك مخارجی را از عواید عمومی مملکتی یا از صرفه جوئی مملکتی یا از اضافه عایدات مملکتی امروز لازم میدانیم که بیائیم و بشما بگوئیم که این را تصویب کنید و هیچ از سرمایه بانك هم نگران نباشید . و بنده بکفندی بیشتر توضیح میدهم و آقای مدرس هم با آن لطف معنوی و قلبی که به بنده دارند و من همیشه از آن لطف معنوی متشکرم بکفندی مسائل را بیشتر ملتفت شوند . اول ماده سوم قانون بانك را اجازه بدهید من برایتان بخوانم ...

مدرس - ماده سوم نوشته است که بانك پول نمیخواهد ! (خنده نمایندگان)

وزیر مالیه - آقای مدرس گوش بدهید نوشته است : اولاً سرمایه بانك را در ماده دوم يك چیز دیگر قرار داده است گفته است که از فروش خالصجات و جواهرات و بعد گفته است سرمایه ابتدائی برای شروع به کار و برای اینکه بانك اداره شود دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان باشد از ودایع خود ...

مدرس - ودایع یعنی چه ؟

وزیر مالیه - اجازه بدهید ' هر کس يك نوبتی برای خنده خود دارد نوبت خنده من هم میرسد ' نوشته است : دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان باشد از ودایع خود به استثنای وجوه انحصار قند و چای بعنوان سرمایه به بانك بپردازد ' این سرمایه بانك که میخواستید ' دولت پنج میلیون تومان از ودایع خودش به بانك بپردازد . این قانونی است که خودتان گذرانده اید

معنی ودیعه را هم عرض میکنم ...
زعیم - مواد دیگر هم دارد .

وزیر مالیه - میخوانم برایتان ' صبر کنید معنی ودیعه آقای مدرس چون سؤال فرمودید عرض میکنم که مقصود از ودیعه چیزی است و وجوهی است که برای يك مخارج خاصی تخصیص شده و صرف مخارج عمومی نشود مثلاً همانطوری که ملاحظه فرمودید این جا از این قبیل وجوه مان انحصار قند و چای هم بوده است ولی آزا استثناء کرده است عرض میکنم از این قبیل وجوه هر چه باشد که قانون آزا برای يك مصرف معینی اختصاص داده باشد آزا ودیعه میگویند . ما اولاً از این ودایع به استثنای وجوه انحصاری قند و شکر و چای بقدری که بتوانیم این پنج میلیون را بدهیم ...

مدرس - از اضافات ؟

وزیر مالیه - گوش بدهید آقا ' بعد قانون خواسته است که ودایع به آن مفهوم خودش محفوظ بماند و خواسته است که محل آزا درست کند که این را که شما برای سرمایه بانك داده اید از بین زود ' از کجا می آورید که اینها را به محل خودش باز گشت دهید ' باز گفته است که اضافه عایدات (دنباله همان ماده است و صرفه جوئیهای بودجه مملکتی ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از باب آن مبلغ محسوب) و در این پنج میلیون هم بحث قانون میکنیم) و آنوقت پیش بینی کرده که اگر محسوب کردیم و اضافه عایدات و صرفه جوئیها تکافوء با آن پنج میلیون نکند . بار خود قانون می گوید ...

مدرس - باز لیره ها زیادتر است

وزیر مالیه - اجازه بفرمائید . شما که اهل بحث هستید در آن قسمت هم جواب میدهم . و بعد قانون پیش بینی کرده است که از بودجه ۱۳۰۷ اگر کافی نبود در سنوات بعد که ممکن است ده سال باشد ' ممکن است بیست سال باشد مبلغی که بیش از سالی پانصد هزار تومان

نباشد در جزء بودجه مخارج مملکتی منظور نماید. پنج میلیون تومان برای این بانک ملی قانون سرمایه قائل شده یعنی سرمایه موقتی چون سرمایه اصلی آن بیست میلیون است و آن وقت فروش خالصجات و جواهرات و چه چه همه هست و فعلا چون آنها طول دارد که پول بشود سرمایه قرار نمیدهیم. فعلا که شما میخواهید شروع کنید به تأسیس بانک مجلس دولت را مجاز کرده است که فرض کنید اگر امروز بانک بخواند تأسیس شود و اضافاتی نداشته باشد فعلا از ودایع داده شود و بعد برای این که این را رد کنیم گفته است که هر چه شما از بودجه های مملکتی ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ صرفه جوئی میکنید بدهید برای برگردن این محل و اگر هم بر نشد از اول سال ۱۳۰۷ به بعد میتواند صرفه جوئی کنید و نا اضافه عایدات پیدا کنید برای برگردن این محل سالی پانصد هزار تومان بدهید که کافی شود. پس آقایان دقت فرمایند که بانک اگر فردا باز شود بموجب این قانون ما حق داریم پنج میلیون تومان از ودایعمان به بانک بدهیم.

مدرس - محل نداریم.

وزیر مالیه - اجازه بدهید. بنده عرض میکنم پنج میلیون تومان الان حاضر و موجود است و بموجب این قانون فردا اگر بنده بانک را باز کردم این مبلغ را میگذارم توش خوب حالا میخواهید به بینید که ما آخر ۳۰۶ هستیم و میخواهیم به بینیم اگر آن محل هائی که برای محاسبه این کار و برای اعاده آن اصل ما پیش بینی کرده بودیم مهیا است، چرا خود آنها را نمیگذاریم؟ خیلی خوب من آرزو هم موافقم و من آن کار را برایتان میکنم و شما را هم مأخوذ بقولتان میکنم عرض کنم حضور آقایان پس شما این مسئله را قطع دارید که پنج میلیون تومان را که بانک بایستی بموجب این قانون سرمایه داشته باشد هر وقت که تأسیس شد از ودایع برداشته میشود و سرمایه بانک میشود حالا میخواهم

از آقایان بپرسم که اگر حسابها مان را کرده و دیم (اینرا بطور مثل عرض میکنم و میخواهم نتیجه منطقی بگیرم) اگر ما حسابها مان را کرده بودیم و می دیدیم که صرفه جوئی و اضافه عایدات هیچ نداریم یا داریم کمتر است این قانون روبه اش چطور میشد؟ روبه اش این میشد که این پنج میلیون تومان را که از ودایع داده بودیم آن میزانی را که داشتیم، پانصد هزار تومان، یک میلیون یک میلیون و نیم هر چه از این محل ها داشتیم به سرمایه و دیمه رد میکردیم آنوقت دو میلیون سه میلیون از سرمایه و دیمه در بانک باقی میماند، آنوقت هم میبایستی مطابق این قانون شروع کنیم از ۱۳۰۷ به بعد سالی پانصد هزار تومان در بودجه برای این سرمایه منظور کنیم. در ۱۳۰۸ بگذاریم، در ۱۳۰۹ بگذاریم، در ۱۳۱۰ بگذاریم تا اینکه این سرمایه کاملا تأمین شود این روبه عملیش بود به شما چه عرض میکنم؟ عرض میکنم بانک ما هر وقت دائر شد، سرمایه به آن میدهم صرفه جوئی و اضافه عایدات هم داریم، الان که شما این پولها را تصویب میکنید من فردا از کجا میروم میدم؟ از همین محل میدهم و بنده تفاوت منطقی نا بحال با شما این بوده است که شما میگوئید از صرفه جوئی مملکتی و بنده عرض میکنم هر مخارجی را که شما با من توافق کنید در ضرورتش این بودجه مملکتی است..

بامداد - این تأویل عرفانی است.

وزیر - هر چه از مخارج ضروری مملکتی باقی ماند این اضافه میروند سرمایه بانک میشود حالا میخواهیم به بینیم که آیا ما فردا که بانک را تأسیس کردیم و پنج میلیون تومان را از ودایع فوری گذاریم در آن و مخارجش انداختیم در صورتیکه بنده که وزیر مالیه شما هستم معتقدم که شما اگر بانک را دائر کردید پنج میلیون را لازم نیست که بکوه بهش بدهید قانون بنده را مجاز کرده و بنده با مشورت متخصص به بانکی که نازه دائر میشود شاید صلاح ندانم که یک دفعه پنج میلیون را

بدم، شاید اول یک میلیون بدهیم، دو میلیون بدهیم نسی ماه باید صبر کنیم و به بینیم که آن یک میلیون نتیجه اش چه میشود. راجع به لیره موجودی بله آقا پشت تریبون عرض کردم و حالا هم میکنم که الان در بانک یک میلیون و سیصد هزار لیره (که معادل میشود با نرخ امروزه هر چه حساب کنید) پول موجود داریم نه تنها اینکه دست نخورده است بلکه تصمیم بدست خوردن آنها بنده دارم. بنده این یک میلیون و سیصد هزار لیره را تا فردا در هر کجا میخواهید تسلیم میکنم، بنده یک میلیون و سیصد هزار لیره شما را از روی مصالح مملکتی نگاه داشته ام در صورتیکه مطابق قانون بودجه نامبران نه کرور و با ۴ میلیون و نیمش جزء عوائد امسال است و جزء مخارج امسال آمده است و بنده این کار را بر حسب امر شاه و امضای شاه کردم و این یک شرفی دستی است که من کرده ام و این یک میلیون و سیصد هزار لیره را که جزء بودجه جاری امسال باید محسوب شود و خارج کنیم و نگاه داریم برای بودجه ۳۰۷ چرا؟ برای اینکه بعد از این جریان کار و بودجه و عایدات سال بعد درست شود و مال ۳۰۷ هم بماند برای ۳۰۸، این کار را ما کردیم، شما این کار را صلاح نمیدانید و میل دارید که ما مطابق معمول همان عایدات ۳۰۷ را جزء بودجه ۱۳۰۷ بیاوریم؟ الان بنده حرفی ندارم اگر این کار را صلاح بدانید و تشخیص بدهید که این یک میلیون و سیصد هزار لیره مال بانک است ما هم این کار را میکنیم ولی جزء بودجه باشد بهتر است، من با آقایان عرض میکنم امروز یک میلیون و سیصد هزار لیره در بانک موجود داریم که تصمیم هم داریم آن را جزء بودجه جاری بیاوریم و از اضافه عایدات هم خرج نکریم فقط خرجی که از اضافه عایدات کردیم و مکرر هم اینچنین گفته شد که کمیسیون بودجه هم تعقیب کرده و مذاکره کرده و پشت این تریبون گفته شد و در کمیسیون بودجه هم گفته شد فقط پولی است که برداشته اند و اداره ارزاق و حمل و نقل

برای مخارج داده اند (حالا بنده رقم قطعی اش نظر نیست) شاید چهار میلیون یا چهار میلیون و نیم است که از اضافه عایدات و صرفه جوئیهای ۳۰۴ و ۳۰۵ برداشته اند و داده اند و حال آن پول را چطور برداشته اند و داده اند کاری نداریم...

مدرس - یعنی خورده اند؟

وزیر مالیه - آن معلوم نیست عرض کنم خدمتتان که چه جور برداشته اند و داده اند این است که هر وقت وجوه عمومی عایدی را بر میدارند و میدهند برای یک خرجی که نوبی بودجه پیش بینی نشده (این جلوی خرج بودجه را نمیگیرد) و آن پول پیش بینی نشده را ما بای این اضافه عایدات میگذاریم، ملاحظه فرمائید چهار میلیون و نیم الی پنج میلیون پول از اضافه عایدات و صرفه جوئیهای ۳۰۴ و ۳۰۵ داده اند به اداره ارزاق و اقلام جزء آرا بنده در کمیسیون بودجه صورتش را آوردم و آقایان دیدند و در مجلس هم در پشت این تریبون اقلام جزئی را کفتم و نظرم نیست که یکی از آقایان که گویا آقای باستانی بودند سؤال کردند و اقلام آرا بجز کفتم و این پوهائی که به اداره ارزاق داده شده است یک سرمایه است من جمله این صد و سی هزار خروار جنس را که دارید اینها تمام پول میشود و متصل به سرمایه است منتهی یک سرمایه است که ما نمیتوانیم اعاده بخزان و نقدش کنیم برای اینکه لازم است یک سرمایه در اداره ارزاق در جریان باشد، از این طرف این کسندم را باید فروخت و پولش را گرفت و باز برای خرید کسندم گذاشت که همیشه انبار جنسش موجود باشد و قیمت جنسش را داشته باشد حالا اگر آقایان صلاح نمیدانند باید بگویند که برای سال آینده دولت این خرج را نکند و این صد و سی هزار خروار جنس را نداشته باشد، قلم های دیگر هم که از این اضافه عایدات به ارزاق داده شده است هست که سوخت نیست بعضی سوخت و لاوصول است که از بابت ضرر هائی است که در ۳۰۴ و ۳۰۵

اداره ارزاق داده است و امر بکتابها پای آن مبلغ حساب کرده اند که در حدود يك ميليون و نیم است و البته مابقی سرمایه موجودی آنجا درست است. این عرایض يك حاشیه بود که خواستم جواب آقارا بدهم که فرمودند اضافه عایدات خرج شده بنده خواستم تکذیب کنم که خرج نشده مگر همین يك قلم والا اضافه عایدات موجود است و پولی که اضافه عایدات است علامت مخصوصی ندارد با عایدات علامت خاصی ندارد، معلوم است نیست و دو میلیون بایست و سه میلیون اسمش عایدات است و هر چه بر این بیست و دو ملیون بایست و سه میلیون علاوه شد اضافه عایدات است و اضافه عایدات غیر از این يك علامت و نشانی ندارد، پول است و حاضر است. حالا میخواهیم سرمایه بانک را نامین کنیم مطابق این قانون سرمایه بانک را تا حدود پنج میلیون از ودایع هر وقتی که خواستیم نامین میکنیم و این مبلغ هم ششصد هزار تومان که بیشتر نیست و صرفه جوئی اصلی شما گمان میکنید فقط همین ششصد هزار تومان است الان اگر شما بخواهید يك ميليون برای سرمایه بانک بدهید بنده حاضر بدم حاضر است و مربوط به لیره هم نیست، شما پنج میلیون تومان باید برای سرمایه بانک بدهید هر وقت که بانک تاسیس شد این مبلغ را از ودایع میدهیم و بعد اضافه عایدات را حساب میکنیم این ششصد هزار تومان را موضوع میکنیم هر قدر که شد دو میلیون شد، سه میلیون شد، کتر یا بیشتر شد حساب میکنم و اضافه را هر چه قدر شد باقی آن پنج میلیون به سرمایه ودایع رد میکنیم اگر باز به سرمایه ودایع مقروض شدیم از ۱۳۰۷ شروع میکنم به پرداختن آن پول...

مدرس - چرا مقروض میشویم؟

وزیر مالیه - چه فرق میکند؟ پول خودمان است چه نوي آن صندوق باشد و چه نوي این صندوق فرق نمیکند پول خودمان است، پول دولت و پول این مملکت و

پول این ملت است خرج این مملکت میشود خود در صندوق ودیعه باشد و همالطور بیکار بماند و خواه سرمایه بانک باشد و پرداخت آن به سرمایه بانک دو سال زودتر یا دو سال دیرتر چه فرق میکند. پس درست که وقت بفرمائید بنده میخواهم به آقایان بگویم که اگر این مخالفت ها مال بانک است با این توضیحات دیگر جای نگرانی نیست خود قانون همه را پیش بینی کرده و هیچ جای نگرانی نیست، اگر لازم میدانید که يك ميليون و سیصد هزار لیره را که ما کنار گذاشته ایم به بانک تخصیص بدهیم و از آن مقصود صرف نظر کنیم مشکل نیست، بیائید مذاکره کنیم با هم ما حرفی نداریم و اگر يك کسی نوي آقایان پیدا شود که به اندازه يك سر خردلی نسبت به هر کدام از این عرایضی که کردم مخصوصاً نسبت به این مسئله پول و لیره و کنار ماندن آن (که عمداً من آنرا حساب شش ماهه برایش در بانک درست کرده ام که ناشش ماه اگر بخواهیم نمیتوانیم پس بگیریم) ابرادی داشته باشد و الان هم اگر آقا بخواهید این يك ميليون و سیصد هزار لیره را به بینید ممکن است. قبض بانک را می خواهید تشریف بیاورید خزانه به بینید و اگر پولش را میخواهید در بانک موجود است و اگر تصویب کنید به هر کس که میفرمائید بنده فردا صبح این يك ميليون و سیصد هزار لیره را حاضر که نقداً تحویل بدهم.

مدرس - يك سوء تفاهمی در عرایض من شد باید عرض کنم.

نایب رئیس - در پیشنهادتان توضیح دادید بکنفر از نمایندگان - پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت شود.

(بشرح سابق قرائت شد)

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای مدرس به ترتیبی که خوانده شد. آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد.

آقا سید یعقوب - يك تبصره بنده پیشنهاد کرده ام راجع به تمام است باید رأی داده شود و آنهم به نفع دولت است.

نایب رئیس - هیچ مانعی نیست تبصره در آخر ماده است باید به قسمت اول رأی گرفته شود چه از آقایان پیشنهاد رأی مخفی کرده اند. قرائت میشود (بشرح آن خوانده شد)

اعضاء کنندگان ذیل پیشنهاد میکنند که در مورد لایحه اعتبارات از محل اضافه عایدات ۱۳۰۵ رأی مخفی گرفته شود زعیم - بهار - حاج شیخ بیات - حاج میرزا مرتضی بامداد - بهبهانی - معتمد التولیه - فیروز آبادی محمد ابراهیم اهری - یعقوب الموسوی - حسن تقی زاده دکتر مصدق - شیخ الاسلام

عراقی - پانزده نفر نشد اعضا در مرتبه خوانده شود (بشرح ذیل خوانده شد)

زعیم - بهار - بیات - مرتضی - بامداد - بهبهانی - معتمد التولیه - فیروز آبادی - اهری - یعقوب الموسوی - حسن تقی زاده - دکتر مصدق - شیخ الاسلام - حسین زنجانی

بعضی از نمایندگان - این چهارده باشد نکمپان (منشی) - یکی دیگر هم درست خوانده نمیشود کویا فوهنی باشد

مدرس - اگر کم است من را بنویسید روحی - فوهنی حاضر نیست

نایب رئیس - گمان میکنم رأی گرفتن به یکی یکی از فقرات با مهره های مخفی طول پیدا کند.

رئیس - این لایحه لایحه بودجه است و بایستی در لایحه بودجه باورقه رأی گرفته شود و بالاخره موافقین دولت معلوم شود بهبهانی - در باب نظامنامه که ما نباید بحث کنیم وقتی که پانزده نفر امضاء کردند باید رأی مخفی گرفته شود ما

که نباید نظامنامه را تفسیر کنیم.

نایب رئیس - برای رفع شبهه از آقایان مواد خوانده میشود. ماده ۸۵

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۸۵ - در موارد ذیل اخذ رأی علنی با اوراق حتمی است.

اولاً - بعد از اینکه دو دفعه بواسطه قیام و قعود نتیجه مشکوک باشد. ثانیاً - در تمام اوراق قانونی که تقاضای اجازه مخارج میباشد. ثالثاً - در لوائح قانونی که مالیات و عوارض برقرار میکند و یا مالیات و عوارضی که سابقاً برقرار بوده است تغییر میدهد.

بعضی از نمایندگان - ماده ۹۰ قرائت شود

(ماده نود نظامنامه بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۹۰ - در تمام مواقعی که اخذ رأی علنی با اوراق ممکن یا حتمی القبول است هرگاه پانزده نفر از اعضاء کتباً تقاضا نمایند باید رأی مخفی گرفته شود عراقی - اعضا ها ۱۵ تا نشده است آقای فوهنی حاضر نیست.

نایب رئیس - پانزده نفر امضاء کرده اند. اعضا ها خوانده میشود

(اینطور خوانده شد)

حسن زعیم، بهار، حاج شیخ بیات، مرتضی شیخ الاسلام، بامداد، بهبهانی، معتمد التولیه، فیروز آبادی، محمد ابراهیم اهری، حسین زنجانی، یعقوب الموسوی، حسن تقی زاده - دکتر محمد مصدق - فوهنی.

عراقی - آقای فوهنی حاضر نیستند. اگر بودند شاید اعضاء خود را پس میگرفتند.

مدرس - من که امضاء کرده ام چرا نمیخوانید؟

نایب رئیس - حالا مطلب در این نیست، عده امضاها درست است و باید بموجب نظامنامه قطعاً رأی مخفی گرفته شود مطلب در این است که اگر رأی مخفی

بخواهیم به تمام فقرات بگیزیم بکساعت ، دو ساعت طول میکشد خوب است بماند برای جلسه آینه .

عراقی - اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس - بفرمائید .

عراقی - بنده تصور میکنم که در قسمت رأی مخفی البته مطابق ماده ۹۰ نظامنامه اشکالی نباشد ولی چیزی که هست این است که این لایحه است که دولت آورده دولت باید موافقین و مخالفین خودش را علناً بشناسد این بازده نفری که امضاء کرده اند مسلماً مخالف دولت هستند که نوشته اند ما رأی مخفی میخواهیم ولی موافقین دولت هم باید معلوم شود و رأی مخفی مانع است که موافقین و مخالفین دولت معلوم باشد .

نایب رئیس - نظامنامه برای اخذ رأی مخفی تصریح دارد .

وزیر مالیه - عرض کنم . البته این قضیه یکی از مسائل داخلی مجلس است و ماده نظامنامه هم يك حق است که بهیچوجه من الوجوه بنده در این قسمت اظهار عقیده نمیکم فقط يك نکته را به آقایان و مخصوصاً به آقایانی که امضاء کرده اند میخواهم تذکرأ عرض کنم که در مسائل اصولی خوب است همیشه رعایت حفظ مراتب بشود حقیقه باید رأی خصوصاً يك همچو آرائی که بمثابه رأی اعتماد است

مدرس - این مقدمه رأی عدم اعتماد است .

وزیر مالیه - مکشوف باشد . بنده در خاطر دارم و میخواهم يك نکته را به آقای مدرس تذکر بدم که در کابینه آقای مستوفی در يك موضوعی تقاضای رأی مخفی شده بود و آقای فروغی برخاستند و از امضاء کنندگان تقاضا کردند که از نقطه نظر حفظ اصول و حفظ مراتب موافقت بفرمایند که این سابقه گذاشته نشود و امضاء کنندگان خودشان به آن مکتلب اقدام کردند و آن پیشنهاد رأی مخفی را پس گرفتند برای اینکه اصول محفوظ بماند حالا بنده هم در تعقیب همان سابقه این تقاضا را میکنم

ولی البته قبول وعدم آن بسته به میل خود آقایان است و اگر قبول هم نکنند حق قانونی خود آقایان است و بنده حرفی ندارم اما باید تصدیق بفرمائید که يك دواتی که با يك مجلس و با يك وکلای کار میکنند باستی در مسائل اساسی موافق و مخالف خودش را بشناسد و اگر غیر از این باشد اصل و اصول مشروطیت نیست .

مدرس - چشم بصیرت نیست و الا میشناختید همه مخالفند .

نایب رئیس - خیلی از آقایان اجازه خواسته اند و مذاکره آقای وزیر مالیه در حکم يك نما و يك تقاضائی است و الا بنده تصور میکنم که در این موضوع ماده نظامنامه صریح است . پس باید شروع به اخذ رأی مخفی بشود

آقا سید یعقوب - تبصره پیشنهادی بنده راجع به تمام ماده است باید خوانده شود . تبصره خوانده شود بعد رأی گرفته شود .

نایب رئیس - تبصره سرکار راجع به این است که دولت جمع و خرج این اقلام را به مجلس بیاورد و آخر رأی میگیریم .

باسائلی - عده حضار را اعلام فرمائید که بعد اسباب شبهه نشود

نایب رئیس - عده حضار ۹۴ نفر است رأی مخفی گرفته میشود راجع به قسمت اول (اخذ رأی شروع شد)

(مهمه نمایندگان - زنگ رئیس)

نایب رئیس - (خطاب به منشی ها) رأی نگیرید آقایان در دادن رأی اشتباه کرده اند باید رأی را آنجا ببندازند و اشتباهاً در این ظرف انداخته اند پس آراء اشتباه شده است

حاج شیخ بیات - اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس - بفرمائید .

حاج شیخ بیات - ما امضاء کنندگان که امضاء کردیم رأی مخفی گرفته شود از نقطه نظر این بود که رأی علنی باشد ولی ما می بینیم که اینجا آقایان رأی را تقیض میکنند از این نقطه نظر بنده به مقام محترم ریاست تذکر میدهم که بایستی مراقبت فرمایند که هیچ رأی خارج از نوبت جمعیه ها ارائه داده نشود و در خارج از ظرف ها اگر بهره ارائه داده شود رأی مخفی نیست

نایب رئیس - آقای روحی

روحی - اولاً غفلت شد که شخص آقای رئیس باید اعلان رأی بفرمایند و توجه بدهند که موافقین مهره سفید بدهند و مخالفین مهره سیاه ببندازند مسئله دوم حاج شیخ بیات فرمودند که آراء تقیض میشود اینطور نیست (نمایندگان - صحیح است) رأی شما که کاملاً مسلم است و شما نمیتوانید این حرف را بزنید

نایب رئیس - رأی تجدید میشود و ماده نظامنامه هم قبلاً فرائت میشود که آقایان از ترتیب رأی دادن مسبق شوند پیشنهادی از طرف آقای آقا سید یعقوب رسیده است قبلاً فرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده گمان میکنم که آقایان این اندازه بدانند که من با این دولت مخالفتی ندارم ولی با این لایحه مخالفم چنانچه در لوائح دیگر دولت رأی دادم و حتی دفاع هم میکردم ولی فعلاً تصدیق میکنید که همه ماها دو سال است با یکدیگر برادرانه کار کرده ایم و الفت و اکثریتی بوده است ولی امروز بواسطه يك مجتبهائی که در بین آمده خدای نخواستہ شاید يك کدورتی در بین بیاید پس بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود و يك پیشنهاد دیگر هم کرده ام که همین جلسه عصر تشکیل شود و تکلیف آراء معلوم شود ، آلا ن هم مدتی از ظهر

گذشته است و يك نشست خیالی در آقایان پیدا شده و نمیشود حالا رأی گرفت شما هم الحمدلله اکثریتید دست قوی دارید و بعضی از اشخاص دیگر هم دارید که می توانید خبر کنید علیهذا بنده تقاضا کردم که جلسه ختم شود و اگر آقایان میل دارند جلسه عصر تشکیل شود و اگر میل ندارند جلسه یکشنبه تشکیل گردد برای اینکه حقیقه مجلس از حال انتظام خارج شده است و اگر جلسه ختم شود مجلس دو باره بحال انتظام می آید ، مذاکرات هم کافی شده است و موقع رأی رسیده است ، رأی هم داده میشود بنده از این جهت پیشنهاد ختم جلسه کردم حالا مختارید

نایب رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده تصور میکنم که در حین جریان رأی آقایان حق محبت ندارند و پیشنهاد نمیتوانند بکنند ، پس این پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب موردی نداشت .

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب برای ختم جلسه ، آقایانیکه موافقت قیام فرمایند .

(عده کمی برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد ماده نظامنامه خوانده می شود

ارباب کیخسرو - اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس - راجع به ماده نظامنامه فرمایشی دارید ؟

ارباب کیخسرو - خیر . راجع به رأی

نایب رئیس - بفرمائید .

ارباب کیخسرو - عرض کنم يك عده مهره ها خدمت آقایان است و يك عده داده اند و تکلیف این مهره ها معلوم نیست مهره های سابق را بفرمائید جمع کنند خطیبی - بنده عقیده ام این است که آقا سید محمود این مهره ها را بیرون شماره کنند

نایب رئیس - همین جا شماره میکنند برای اطلاع

جلسه مهره ها را هم تفتیش کنند و روز شنبه هم میائیم
مجلس ...

بعضی از نمایندگان - روز یکشنبه

امیر حسین خان - بلی یکشنبه میائیم و با کمال انتظام
و خوبی رأی میدهیم و این ترتیب بعقیده بنده صحیح نیست
و پیشنهاد کردم جلسه ختم شود

نایب رئیس - قبل از آنکه رأی گرفته شود باید
عرض کنم که شمردن مهره ها فعلا اشکال دارد اگر آقایان
صلاح بدانند و مخالفی نیست جلسه ختم شود
جمعی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - جلسه ختم میشود

بعضی از نمایندگان - استقرا

نایب رئیس - روز شنبه عید است و مجلس تعطیل
است، برای شرفیابی حضور اعلی حضرت یکمده بایستی به
قرعه انتخاب شوند و جلسه روز یکشنبه است و دستورم
دستور امروز است. نه نفر بقرعه معین میشوند
(اقتراع بعمل آمده آقایان ذیل معین شدند)

نوبخت، بهار، زعیم، کی استوان، لیقوان، عصرانقلاب
حاج آقا رضا رفیع، میرزا صادق خان خواجوی، محمد
هاشم میرزا افسر.

(مجلس یکساعت و سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

خاطر آقایان ماده نظامنامه خوانده میشود که کج
باید مهره ها انداخته شود.

اریاب کیخسرو - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید.

اریاب کیخسرو - قبل از آنکه موقع رای گرفتن بشود
این مهره ها را باید بشمارند برای اینکه معلوم شود که
۹۴ مهره گرفته شده است یا نه

نایب رئیس - میگویند مهره ها شماره نداشته
است و شماره اش ممکن نمیشود
(همه نمایندگان - صدای زنگ)

نایب رئیس - آقای امیر حسین خان پیشنهاد ختم
جلسه کرده اند آقای امیر حسین خان

امیر حسین خان (ایلیخان) - عرض کنم که بنده
عقیده دارم و خیلی متأسفم که مجلس دارد از حال
انتظام خارج میشود و مهره هائی هم که داده اند باید
شماره شود و این کار وقت زیادی لازم دارد
و بعلاوه اگر ما اینجا بنشینیم و یک نفر پیشخدمت بیاید
و مهره ها را بشمارد این کار برای عظمت مجلس خوب
نیست. بنده عقیده دارم که مجلس را ختم کنیم و درغیاب